

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۷۰، چهارشنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۲۰ آوریل ۲۰۱۶

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- برای بیژن و سرودش - فتح الله کیاییها...ص ۲
تلاش نافرجام برای مهیار زهر برجام - مهدی سامع...ص ۳
جام زهر بعدی یا جلیقه انتحاری؛ گزینه سومی در کار نیست - منصور امان...ص ۵
اسناد پاناما، کار مارکسیستها را راحت کرد - لیلا جدیدی...ص ۸
این مهمترین جنبش در سالهای اخیر است - برگردان: بابک...ص ۱۲
این چند نفر - امید برهانی...ص ۱۵
عشق ریحان مرا این چنین شوریده سر کرد، تو گلایه نکن - شعله پاکروان...ص ۱۹
زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری...ص ۲۱
چالشهای معلمان در فروردین ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۵
دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد...ص ۲۹
برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۵ - زینت میرهاشمی...ص ۳۳
کارورزان سلامت، فروردین ۱۳۹۵ - امید برهانی...ص ۴۲
رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۳
پروین اعتصامی، صدای فرودستان، وجدان بیدار شعر پارسی (قسمت دوم) - م. وحیدی...ص ۴۸
نامه کروی؛ سفت تر شدن حلقه طناب بحران بر گردن "نظام" - منصور امان...ص ۵۱
موفقیت اقتصاد مقاومتی، تولید ۷۰۰۰ هزار سرکوبگر مخفی - زینت میرهاشمی...ص ۵۲
در آواز سیب و ستاره - م. وحیدی...ص ۵۳
شهادی فدایی در اردیبهشت ماه...ص ۵۳
انتشارات تصویری سازمان...ص ۵۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

برای بیژن و سرودش

فتح الله کیاییها

زندگیش

تصویر زیبایی بود

بی رنگ

بنشسته

بر زمینه ی دیوار

سردی راه راهی

از آهن

آنسوی تر

محبوس کرده بود

شادی و پرواز و شوق را

انگار ناودان را

ترانه ای از خون

به رقص وا می داشت

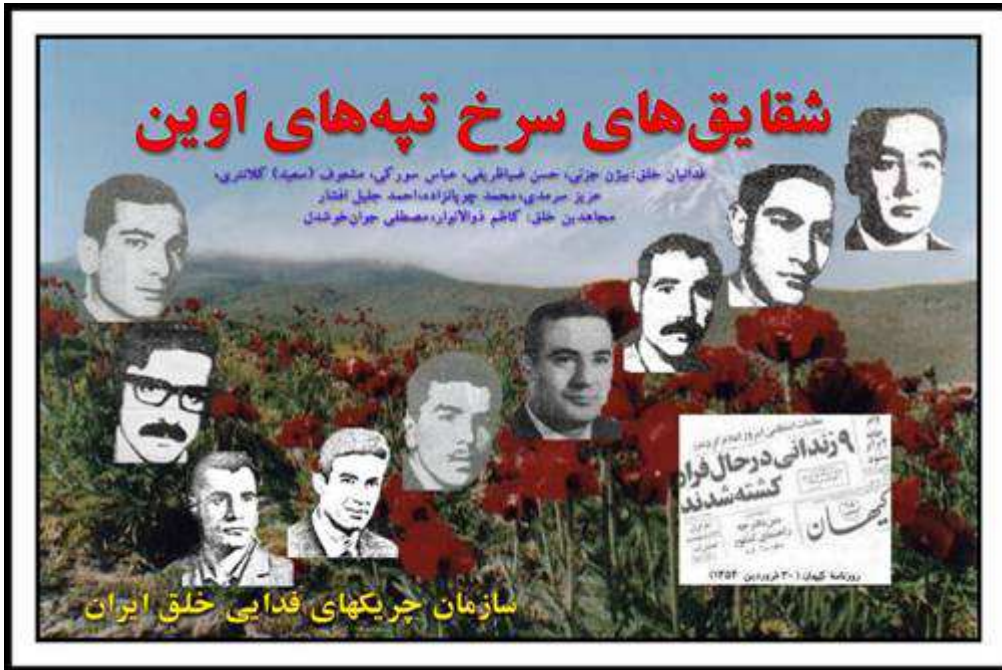
زندگی اش

تصویر زیبایی بود

بنشسته در نگاه

چندین گوزن مست جوان

در جنگل خموش



برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

ضمیمه نبرد خلق شماره ۳۷۰

ویژه اول ماه مه ۲۰۱۶

نبرد خلق

ویژه اول ماه مه ۲۰۱۶

ضمیمه شماره ۳۷۰

جانش بر توان کارگران، پرستاران و معلمان
بیان ۱۵۸۶ حرکت اعتراضی کارگران، معلمان و پرستاران در سال ۱۳۹۴
در اسفند اول ماه مه روز جهانی کارگران
تبدیل اتحاد سازمان پرستاران فدایی خلق ایران منتشر می‌گردد



همسنگی برای آزادی کارگران و معلمان رضایی



سرگوب، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه
فعالان نیروی کار را به شدت محکوم می‌کنیم

* توضیح کوتاه در مورد تاریخچه اول ماه مه

* در باره سرود "انترناسیونال"

* بیان ۱۵۸۶ حرکت اعتراضی کارگران، معلمان و پرستاران در سال ۱۳۹۴

* تحلیل حرکت‌های اعتراضی کارگران - زینت میرهاشمی

* فعالان و زندانیان سیاسی قربانیان برجام هستند، به یاری آنها برخیزیم -

لیلا جدیدی

* دستگیری کارگران مجتمع مس میدوک محکوم است - زینت میرهاشمی

* خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزد بگیران

* خواسته های معلمان در تجمع شانزدهم مهر روز جهانی معلم

* خلاصه خواسته های صنفی و مدنی پرستاران

تلاش نافرجام برای مهار زهر برجام

مهدی سامع

از روز امضای برجام همیشه این سوال مطرح بود که رفتار مزورانه ولی فقیه را چگونه باید ارزیابی، تفسیر و تحلیل کرد؟ مگر از جانب افراد تیم مذاکره کننده و برخی از نزدیکان به خامنه ای بارها گفته نشده که مقام معظم در تمام دوران مذاکرات به طور کل در جریان بوده است. مگر خامنه ای با دور زدن مجلس و سنگ روی یخ کردن دلواپسان، به تصمیم شورای عالی امنیت ولایت اش در تأیید متن کامل توافق مُهر تأیید نزد؟ پس چرا هنوز گماشتگان رنگارنگ او دست از سر برجام بر نمی دارند؟

برای پاسخ به این سوالها باید به ماهیت برجام مراجعه کرد. واقعیت این است که برجام یک عقب نشینی از پروژه پُر هزینه هسته ای است و این عقب نشینی نه از جانب ظریف یا روحانی بلکه از جانب خود ولی فقیه صورت گرفته و این مقام معظم بود که قدم به قدم از خط قرمز هایش عبور کرد و جام زهر هسته ای را به طور کامل نوش جان کرد. این جام زهر به سرعت در رگ و پی ولایت جاری شد و خامنه ای که قبلاً اتوریته اش در هم شکسته شده بود، آثار مخرب جام زهر را بهتر از هر کس دیگر مشاهده کرد. ولی فقیه که شاهد نفوذ جام زهر در پیکره نظام است، به هر روش و وسیله ای متوسل می شود تا آثار زهر را خنثی کند. او که ولایت اش با «فتنه» لک و پیس شد، فکر می کرد با احمدی نژاد و پروژه هسته ای اتوریته اش را بازسازی خواهد کرد. اما تحریمها به او فرصت نداد و چنین شد که ابتدا مجبور به تن دادن به روحانی و سپس مجبور به عقب نشینی در پروژه هسته ای شد. از آن زمان مساله نفوذ تهدید جدی برای خامنه ای شد. خامنه ای برای پنهان کردن «نفوذ» جام زهر در ولایت اش، پای آمریکا را به میان کشیده و برای خنثی کردن آثار عقب نشینی به موشک پرانی و ورود تا خِرخرِه در باتلاق بشار اسد متوسل شد. این راهکار به جای درمان و یا حتی مسکن بر دردهای بی درمان ولایت خامنه ای افزود. نه اتوریته او بازسازی شد، نه تضادهای درون هِرَم قدرت کاهش پیدا کرد و نه مردم از ستیز با ولایت دست برداشتند و برعکس با تحریم انتخابات ضربه جدی بر کلیت نظام وارد کردند و حتی آن کسانی که قرار بود با شرکت در انتخابات بر «لیست آقا» مُهر تأیید بزنند، بر شناسنامه عزیز دوردانه های آقا «مُهر باطل شد» زدند. مهمترین کارگزاران نظام، از ولی فقیه تا ریاست خبرگان و یا دبیر شورای نگهبان و نمایندگان بی ابروی ولی فقیه و سرکردگان سپاه گرفته تا روسای قوه اجرایی و مجمع تشخیص مصلحت نظام به این وضعیت اعتراف می کنند. هر روزه شاهد آن هستیم که تک خامنه ای با پاتک روحانی و یا رفسنجانی پاسخ داده می شود و یا برعکس. در مورد وضعیت بحرانی ولایت یک دزد قهار که اکنون رئیس مجلس خبرگان است اظهار نگرانی می کند. نماینده خامنه ای در مشهد از حذف «رجال برجسته ولایی و دینی» می نالد و احمد جنتی فکر می کند با «امام» خواندن خامنه ای اتوریته او بازسازی می شود. حرفهای این سه تن نکات مهمی در تأیید تلاش نافرجام خامنه ای دارد.

روز یکشنبه ۲۹ فروردین، شیخ محمد یزدی، رئیس فعلی مجلس خبرگان و رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه که در ضمن یکی از کلان دزدان ولایت است، ضمن اظهار «نگرانی عجیب از آینده نظام و انقلاب» و دلداری خامنه ای از او گفت: «ولی امر، حاکم الهی و مجری خدا در جامعه اسلامی است و کسی هم حق مخالفت با برگزیده الهی را ندارد... فقها به عنوان حاکم شرعی به شمار می روند و حاکمیت در اسلام تعدد بردار نیست و تنها یک فقیه، باید توسط فقها به عنوان حاکم انتخاب شود تا قدرت او بیشتر شود... حاکمیت به معنای حق ولایت داشتن است و باید همه اطاعت و پیروی کنند.» به گزارش روز جمعه ۲۷ فروردین سحام، آخوند احمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه در مشهد با طرح موضوع سقوط بنی امیه توسط حکومت عباسیان یک گُل جانانه به خودیها زد و با طرح این موضوع، ناز پروردگان ولی فقیه، همچون «مصباح یزدی و محمد یزدی» را به حکومت بنی امیه که دشمنان سوگند خورده امامان شیعه بودند تشبیه کرد که توسط حکومت بنی عباس، یعنی باند رفسنجانی حذف شدند. او گفت: «اگر جریانات سیاسی در انتخابات سعی در حذف رجال برجسته ولایی و دینی دارند، همان نقشه بنی عباس را ادامه می دهند... این افراد کسانی هستند که می خواهند قدرت را به دست گرفته، عیاشی کنند و پول به دامن استکبار بریزند...»

احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان در نماز جمعه روز ۲۷ فروردین در تهران با «امام» خواندن خامنه ای به موضوعاتی پرداخت که بیش از همه به ریش خود و امام اش می چسبد. او گفت: «چرا اینقدر آمار طلاق داره بالا میره؟ چرا اینقدر قاچاق وارد مملکت می شه؟ چرا بچه جوانها، پسر و دختر، هیچ رغبتی به ازدواج ندارند و اگر هم ازدواج کردند، دو روز بعدش طلاق می دهند؟» او نقش برادران قاچاقچی را به روی خود نیاورد و با طرح اقتصاد مقاومتی گفت: «امام بزرگوارمون، سال را اقتصاد مقاومتی و اقدام و عمل نام نهادند... فرمودند اقدام و عمل، همینطوره، باید اقدام و عمل بشه. یعنی مفهومش اینه که تا حالا اقدام و عمل نبوده. حرف بوده. رو زبان، رو کاغذ. ولی اقدام و عمل می خواهد. اقدام و عمل به جز روحیه انقلابی، هیچ فایده نداره، امکانش نیست.» جنتی برای عملی کردن اقتصاد مقاومتی پس از طرح چند مورد اقتصادی به گُنه نظرات ولی فقیه پرداخت و گفت: «حالا هم الان اون کسانی که این مملکت را ۳۷ سال سر پا نگه داشتند، در مقابل همه دشمنیها ایستادند... چرا قدردانی نکنیم از اینها؟ چرا از سپاه قدردانی نکنیم؟ سپاه خار چشم یک عده بییه. که بعضیهاشون گاهی تو سخنرانیهاشون هم نیش خودشون را می زند. خوب اگر سپاه نباشه، اگر بسیج نباشه، اگر بچه های حزب الله نباشه، اگر اونهایی که در هر صورتی فراخوان می شن اعلام حضور نکنند، پس کی می خواهد این مملکت را حفظ بکنه، کی می خواهد توطئه ها را خنثی بکنه؟»

اما از این حرفها مهم تر، مشاجره کلامی خامنه ای و روحانی است که به وفور در سایتهای اینترنت این تقابل پوشش داده شده و برخی از این سایتها از این جدال طنزهای جالبی ساخته اند.

روحانی در پیام نوروزی خود می گوید: «مردم برجام ۲ را در انتخابات ۷ اسفند کلید زدند» و ساعتی بعد خامنه ای در سخنرانی خود در مشهد به کسانی که «در قضایای منطقه و قانون اساسی کشور» می خواهند «برجام ۲ و ۳ و غیره» به وجود آورند حمله کرد و گفت: «معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی که به حکم اسلام و برجستگیهای نظام جمهوری اسلامی به آن پایبند است صرف نظر کند.»

هنگامی که حسن روحانی در جمع مدیران برخی موسسات سرمایه گذاری خصوصی و بانکها گفت: «ما باید بدانیم که اقتصاد با شعار درست نمی شود، باید در این عرصه گامهای عملی و واقع گرایانه در جهت جذب سرمایه گذاریهای خارجی برداشته شود. باید امنیت برای آن سرمایه گذار خارجی در کشورمان فراهم شود که بیاید و سرمایه گذاری کند»، خامنه ای در جمع بسیجیان گفت: «بنده این روزها زیاد می شنوم که بعضی آقایان صحبت از سرمایه گذاری خارجی می کنند، چراغ سبز می دهند به دشمن برای نفوذ که بیاید اینجا امن است... این حرفها حرفهای درستی نیست.» نمونه های زیادی از این دست وجود دارد که استناد بدان در حد این یادداشت کوتاه نیست.

مساله اصلی اما همانگونه که در بالا نوشتیم باز تکرار می کنم که وضعیت به گونه ای است که نه اتوریته ولی فقیه قابل بازسازی است، نه تضادهای درون هر م قدرت کاهش پیدا خواهد کرد و نه مردم از ستیز با ولایت دست برخواهند داشت و از همین نظر تلاشهای خامنه ای برای مهار آثار جام زهر ناکام خواهد ماند.

زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

nabard@iran-nabard.com



جام زهر بعدی یا جلیقه انتحاری؛ گزینه سومی در کار نیست

منصور امان

هیچ تحولی به روشنی تهاجم آقای خامنه ای و باند او در آغاز سال جدید به رقبای خود در جناح میانه حکومت، نشستن عمیق "جام زهر" هسته ای در مغز و قلب او و "نظام"ی که نمایندگی می کند را به نمایش نمی گذارد. باند حاکم جمهوری اسلامی تا نیمه در باتلاق "نرمش قهرمانانه" فرو رفته و در حالی که زیر پای آن همه چیز شناور است، هموردان فشار برای گذراندن گل ولای از سرش را افزایش می دهند.

یک نقشه رویایی

هنگامی که باند ولی فقیه، پروژه "نرمش قهرمانانه" را در دستور کار گذاشت، در پندار آن این گام، جایگاه و کارکردی فراتر از یک اقدام ضروری برای حفظ وضع موجود نداشت. "نظام" پس از خُشکانده شدن منابع مالی و بیرون افتادن از سیکل مبادلات اقتصادی، تجاری و بانکی بین المللی، تاب کشیدن بار بحران هسته ای را از دست داده بود. ایده راهگشای "بمب" در نتیجه صف بندی جدی و موثر خارجی علیه آن، به فاکتوری زیان ده و بنیان کن بدل گردیده بود که در یک مُحاسبه ظاهری سود و زیان چنین می نمود که چشم پوشی از آن سازگاری بیشتر با منافع "نظام" داشته باشد.

راهکار آقای خامنه ای و شرکای او چندان پیچیده نبود؛ آنها پروژه "حق مسلم" را کنار می گذاشتند، در عوض اما قدرت را نگه می داشتند. آنها ترجیح می دادند خود مهتر قافله ای گردند که سر از بیابان درآورده بود و راهی جز عقب گرد نداشت. دلبری آقای احمدی نژاد، گماشته یاغی شده ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، از آمریکا و باز کردن کانال ارتباطی جداگانه با آن - با هر درجه از جدیت - به روشنی شکل گیری خطر عقب ماندن از پروسه رویدادها و پرتاب به انتهای آن را یادآور می شد. باند حاکم با سیاست "نرمش قهرمانانه" و تسلیم قلمرو ادعایی به طرفهای خارجی، می بایست ابتکار عمل را در عقب نشینی اجتناب ناپذیر به دست می گرفت و به بازیگر اصلی بدل می شد. این موقعیت به آن امکان می داد، بازی جدید را سازگار با منافع خویش سازمان دهد.

پیش شرط موفقیت در نقشه نجات، امکان تفکیک بحران مناسبات خارجی "نظام" به پاره های مُستقل و بی ارتباط با یکدیگر بود. بدین گونه آقای خامنه ای می توانست در پهنه بحران هسته ای با غرب به مُعامله بنشیند بی آنکه - برای مثال - موضوع سوریه یا عراق روی میز گذاشته شود.

چنین می نمود که آقای خامنه ای یک توهّم خسارت بار (بمب اتمی) را با توهّم زیان بخش دیگری عوض کرده باشد. او در جریان مذاکرات به گونه تکراری یادآور می شد موضوع گفتگوها فقط مساله هسته ای است تا دسته بندی مطلوب خود از بحران را به برنامه عمل تحمیل کند. وی در این رابطه روشن می ساخت: "این مذاکراتی که دارد انجام می گیرد، فقط در موضوع هسته ای است؛ فقط! در هیچ موضوع دیگری فعلا با آمریکاییها مذاکره نداریم، هیچ! این را همه بدانند. نه در مسایل منطقه، نه در مسایل گوناگون داخلی، نه در مسایل بین المللی."

باند شکست خورده حاکم در عمل اما فقط توانست نقشه راه خود را به جناح میانه حکومت که آن را به عنوان کارگزار خویش در مذاکرات ارتقا نقش داده بود، بقبولاند. جُدا سازی حوزه داخل از حوزه خارج و پذیرش انحصار "نرمش قهرمانانه" در پهنه خارجی از سوی حُجت الاسلام حسن روحانی امری تصادفی نبود. او پس از عهده دار شدن ماموریت مذاکره، به سُرعت تبلیغات انتخاباتی اش را از خود تکاند تا در نقشه راه آقای خامنه ای به حرکت درآید.

ریزش توهّم

بوق سُست مایگی این استراتژی بسا زودتر از آنچه که پنداشته می شد به صدا درآمد، و آنهم از جانب مُبتکر و طراح آن! تنها یک هفته پس از توافق با طرفهای خارجی در لوزان در فروردین ۱۳۹۴ و تدوین "راه حل‌های لازم برای دستیابی به

برنامه جامع اقدام مشترک"، آقای خامنه ای از "نفوذ" طرفهای خارجی به واسطه این توافق به شدت ابراز نگرانی کرد و به این وسیله به هم ریختن دسته بندیهای دلبخواه و ناتوانی در حفظ خط قرمزهای خیالی خود را آشکار ساخت.

آقای خامنه ای تنها در شش ماهه نخست همین سال، ۴۳ بار به شکایت از سوراخ شدن سپر "فقط هسته ای" زیر عنوان "نفوذ" پرداخت و در ماه های بعد نیز به هر مناسبتی که در محفلی ظاهر شد، آن را به تعزیه ای در باب "استفاده آمریکاییها از این مذاکره و از این توافق برای نفوذ در داخل کشور" تبدیل کرد.

تشویش فزاینده رهبر باند ولی فقیه از دو منبع خارجی و داخلی سرچشمه می گیرد. وی شاهد آن گردیده که چگونه طرح جنگ سردی وی بین سنگ آسیاب دو نیروی مزبور ذره به ذره فرسایش می یابد.

نیروی عمده این تحول، طرف حسابهای خارجی "نظام" و در راس آنها ایالات متحده آمریکا است که بحران هسته ای را در چارچوب متفاوتی تحلیل و ارزیابی می کنند و آن را نه به مثابه "بحران" جمهوری اسلامی به طور کلی، بلکه بخشی از آن به حساب می آورند. تاکید پیوسته واشنگتن بر اینکه توافق هسته ای امکان ساخت بمب هسته ای از سوی رژیم مَلاها را از میان بر نمی دارد، بلکه آن را به تاخیر می اندازد، به قرار داشتن مشکل در نقطه ای عمیق تر اشاره دارد. به بیان دیگر، آمریکا چگونگی برخورد طرف توافق خود به معضل هسته ای را در نهایت مساله ای در حوزه تصمیم گیری سیاسی و منافع مشخص تصمیم گیرندگان می بیند.

ریشه اختلاف آمریکا و متحدان اروپایی اش با رژیم جمهوری اسلامی به گونه دقیق در همین نقطه، یعنی سیاست کلان "نظام" که ماجراجویی هسته ای جزئی از آن به شمار می رود و منافی که از این راه برای خود متصور می شود، قرار گرفته است.

استراتژی موجودیت سرچشمه ای است که شعبه های گوناگون آن به سمت عراق، لبنان، سوریه، غزه، یمن به حرکت درآمده اند و در دامن خود تروریسم دولتی، جنگها و کشمکشهای فرقه ای، بنیادگرایی اسلامی و فروپاشی مدنی را پرورش می دهد.

زیر تیغ دوران

برای غرب تفکیک بین نموده های گوناگون بحران ناشی از رژیم مَلاها به گونه ای که با بخشی مدرا کرده یا آن را به خدمت بگیرد و با بخش دیگر به رویارویی برخیزد و در پی مهار آن برآید، به گونه فزاینده ای ناممکن می گردد. چه، بحرانها در دوره کنونی ایزوله و تنها در محیطی که پدیدار می شوند، عمل نمی کنند. برای مثال همان گونه که آثار و پیامدهای حمله آمریکا به عراق در این کشور محدود نماند، مداخله نظامی رژیم مَلاها در حمایت از دیکتاتور دمشق نیز در جغرافیای سیاسی سوریه محصور نگردید و به شتاب به بحرانی در سطح منطقه خاورمیانه فراز یافت.

این ویژگی بحرانهای عصر جدید، چالشهای جدیدی را نیز در خاورمیانه برابر غرب و نظم بین المللی آن قرار می دهد. اگر تا پیش از این مساله ثبات در منطقه اهمیت خود را برای غرب از فاکتورهای انرژی و مبادلات اقتصادی کسب می کرد، اینک ضرورتهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مبرمی نیز بر آن افزوده شده است که ریشه در سه چالش عمده دارد:

۱- گلوبالیزه شدن جنگهای منطقه ای و درگیریهای خشونت آمیز محلی

این تحول، یکی از شناسه هایی است که جنگهای مدرن را از انواع گذشته خود متمایز می کند. آنچه که در عراق، سوریه، افغانستان و مالی جریان دارد، در چارچوب مرزهای خود باقی نمی ماند و در شکلهای گوناگون و به ویژه تروریسم بنیادگرا، به مناطق همجوار و فراتر از آن گسترش می یابد. پایتختهای اروپایی و شهرهای آمریکایی دیرگاهی است که به صحنه ی دیگر درگیریهای بدل شده اند که به ظاهر هزاران فرسنگ دورتر از آنها جریان دارد. صدای انفجار و رگبار مسلسل از کوچه و خیابانهای متروپل به گوش می رسد و دود و خاکستر متعصبان انتحاری در هوا پراکنده شده است و این هنوز بالاترین سطح درگیری نیست. دستگاههای امنیتی غرب نگرانی خود پیرامون دسترسی و استفاده بنیادگرایان اسلامی از سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک را پنهان نمی کنند.

به این ترتیب جنگهای "پیرامونی" و "فراموش شده"، غرب را با یک چالش امنیتی بی پیشینه داخلی روبرو ساخته است که راه چیرگی بر آن را فقط می تواند در بیرون از خود بجوید.

۲- نبود آفق پیروزی نظامی در انتهای جنگهای دوران جدید

هیچیک از طرفهای جنگ، گذشته از آنکه دارای چه امتیاز یا تجهیزاتی باشند، توانایی خاتمه دادن به درگیری از طریق پیروزی نظامی و شکست قطعی حریف را ندارند؛ تحول دیگری که بی پایان بودن این گونه کشمکشها را تضمین می کند. بیش از یک دهه از توفیدن جنگ در عراق و افغانستان می گذرد، جنگ مالی ۵ سال، دور جدید درگیریها در سومالی نزدیک به یک دهه و جنگ در نیجریه و چاد بیش از یک دهه را پشت سر گذاشته اند. در طول این دوره های زمانی، صحنه درگیری بارها جا به جا شده، رُلهای جدید جایگزین نقشهای قدیمی شده اند و حتی بازیگران تغییر کرده اند، بدون آنکه در موجودیت درگیری نظامی تغییری به وجود آمده باشد. جنگ به مثابه فاکتوری مُعلق بر فراز تناسب مُجرد نیروی نظامی، خود را تثبیت کرده است.

هرگاه بی فرجام بودن جنگهای منطقه ای و محلی با پدیده گسترش و صدور آن به کشورهای خودی همراه نمی بود، بی گمان آمریکا و اروپا هم نگرانی زیادی از آن نمی داشتند. اما روبرو شدن دردناک با این واقعیت و نیز مُحاسبه تناسب شوکه کننده ای که بین عُمر جنگها و رُشد توقّف ناپذیر دامنه و آثار آن به وجود آمده است، در تغییر ارزیابی غرب از سود و زیان این گونه درگیریها نقش موثری ایفا می کند.

۳- بحران مهاجرت و آثار همه جانبه آن

صدها هزار پناهجو که جنگ، درگیریهای فرقه ای، پاکسازی قومی و شرارت جنگ سالاران محلی آنها را به آوارگی کشانده است، مرزهای جُغرافیایی اروپا با بحران خاورمیانه و آفریقا را پاک کرده اند و آن را بی واسطه به همسایه کانونهای آشوب بدل ساخته اند. "دژ اروپا" ناگهان با برآمد انسانی و اجتماعی "جنگهای جهان سوم" روبرو گردیده است و همراه آن چشم در چشم چالشهای اقتصادی و اجتماعی نوینی در قلمرو خود می دوزد. این واقعیت سخت و نمایان از جُمله دلایلی است که صدای "مبارزه با علتها" را در دولتهای اروپایی بلند تر کرده است.

برآمد

قواعد بازی تعیین شده اند و ضرورتهای تازه ای، تنظیم و پیشبرد آنچه که در میدان جریان دارد را براساس این قواعد بیش از هر گاه دیگر ناگزیر ساخته است. اگر رژیم شکست خورده مُلاها خواهان خُروج از بحران باشد، چاره ای جُز سرکشیدن جام زهرهای بعدی ندارد. این اجبار را آقای خامنه ای به یک زبان و آقای روحانی به زبان دیگر بیان می کنند و شکاف رو به تزاید در دستگاه قُدرت ترجمان مادی آن را به نمایش گذاشته است.

آقای خامنه ای می تواند همچنان به کشیدن خط و مرزهایی که قادر به حفظ آنها نیست ادامه دهد، او و باندش با پذیرش "نرمش قهرمانانه" و سرکشیدن "جام زهر" هسته ای در انتها اما بخشی از پروسه آغاز شده هستند و با قوانینی که آن را به حرکت در می آورد، به جلو رانده می شوند. بنابراین، باند حاکم جمهوری اسلامی دو راه بیشتر ندارد، یا روی ریل ژنو و وین به سمت ایستگاههای بعدی حرکت کند یا جلیقه انفجاری به تن کرده و قطار را از خط خارج سازد. راه سومی، آنگونه که در توهم اولیه آقای خامنه ای شکل گرفته بود، وجود ندارد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

اسناد پاناما، کار مارکسیستها را راحت کرد

لیلا جدیدی



خبرنگاران با استفاده از یازده و نیم میلیون سند به دست آمده، اسرار تاریک و سیاه پناهگاههای مالیاتی و پولشویی دهها مقام دولتی و غیردولتی را فاش کرده اند. واکنش مردم در برابر این خیانت و تبهکاری مالیاتی که افزون بر سیاستمداران، ستارگان سینما و ورزشکاران حرفه ای نیز در آن دست داشته اند، خشم و اعتراضات گسترده بوده است. چنین کلاشیهای بزرگ در فرار از پرداخت مالیاتهایی که از سودهای کلان به دست آمده، در توازن با تحمیل ریاضتهای اقتصادی و در نتیجه فقر و بی خانمانی میلیونها نفر قرار دارد. این کمتر از یک درصد جمعیت جهان چگونه است که حاصل دسترنج مردم زحمتکش را که خود نوعی دیگر از تبهکاری است، بدون پرداخت مالیات در جایی دیگر انباشت می کند و همزمان بیشرمانه شاهد گرسنگی و مرگ میلیونها نفر می شود؟ اینجاست که یکبار دیگر بر درستی نقد مارکسیستها بر سیاستهای نو - لیبرالیستی که خانم تاجر و آقای ریگان اگر چه بنیان گذار آن نبودند، اما به عنوان "تنها آلترناتیو" آن را ترویج داده و بر زحمتکشان جهان تحمیل کردند، مهر تایید گذاشته می شود.

لیبرالیسم "آلترناتیو" نیست

نو - لیبرالیسم نقش بزرگی در انواع بحرانهای بزرگ جهانی بازی کرده است؛ از بحران مالی ۲۰۰۸ تا آنچه که امروز گوشه ای از آن را اسناد پاناما به ما عرضه می کند. فقر، نابرابری، نداشتن دسترسی به بهداشت و سلامت عمومی، تخریب دائمی محیط زیست، افزایش قدرت نیروهای راست، فاشیستی و بنیاد گرا، جنگ، جنایت و در کل نقض فراگیر حقوق بشر جلوه های ثابت این نظم است.

همه اینها در حالیست که نو - لیبرالیسم رقابت را کاراگر واقعی و طبیعی انسان توصیف می کند و رقابت کنترل شده را محدودیت آزادی به شمار می آورد. نو - لیبرالیسم خدمات عمومی را خصوصی سازی می کند، دخالت اتحادیه های کارگری را در سازماندهی کار و پیگیری منافع جمعی عامل بی نظمی در بازار آزاد به حساب می آورد و در نهایت، یک فرم "طبیعی" هیرارشی از بازندگان و برندگان ترتیب می دهد که در آن نابرابری به عنوان موتور تولید ثروت، طبیعی و حق

تلقی می شود. از همین رو، در بوق و کرنای تبلیغاتی مدافعان نو - لیبرالیسم، تلاش برای ایجاد جامعه ای که در آن انسانها برابر باشند، بی حاصل و به طور اخلاقی ناخوشایند و نادرست وانمود می شود. بازار باید مطمئن شود که هر کس هر اندازه لیاقت دارد، نصیب اش شود و تهیدستی، نشان بی لیاقتی می شود.



اگر چه نو - لیبرالیسم از دهه هفتاد شروع به پا گرفتن کرد، اما بار آن در دوره به قدرت رسیدن آقای ریگان و خانم تاچر بسته شد. ثروتمندان از پرداخت مالیات رها شدند، اتحادیه های کارگری زیر ضرب رفتند، خصوصی سازی و مقررات زدایی و حذف خدمات عمومی همگی بخشی از بسته لیبرالیسم شدند.

سپس با ابزارهای صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، پیمان "ماستریخت" و سازمان تجارت جهانی، سیاستهای نو - لیبرالی به سراسر جهان سرایت داده شد.

"جورج مونبیوت"، نویسنده کتاب پر فروش "عصر رضایت: مانیفستی برای نظم نوین جهانی و دولت اسیر" و همچنین مقاله نویس روزنامه "گاردین" در این باره می نویسد: "نو - لیبرالیسم آنجا جالب می شود که دکترین یا مکتبی که وعده آزادی می دهد، همچنین اعلام می کند که "آلترناتیو دیگری وجود ندارد"

وی می افزاید: "چنانچه "فردریک هایک" پس از سفر به شیلی در دوران پینوشه، در کتاب خود به نام "جاده ای به سوی بردگی" می نویسد: "اولین جایی که این مکتب به طور کامل به اجرا گذاشته شد، در شیلی بود، زیرا تشخیص داده شده بود که تحت دیکتاتوری لیبرال بهتر می شود لیبرالیسم را پیش برد تا در کشوری که دولت دمکراتیکی داشته باشد که با آن دشمنی دارد." (فردریک هایک (۱۹۹۲-۱۸۹۹)، یکی از پیشگامان در نظریه پولی و از طرفداران لیبرالیسم کلاسیک در قرن بیستم که نظرات او در دانشگاههای لندن، شیکاگو و فرایبورگ تدریس می شود)

آمارهای جهانی در سالهای گذشته بر پوچی ادعای تنها آلترناتیو بودن لیبرالیسم گواهی می دهد. با فاش شدن اسناد پاناما کار برای هر کس که بخواهد بداند جهان بر سر انگشتان چه کسانی می چرخد و حاصل کار و زحمت اش کجا می رود، آسان شده است. در واقع روشن می شود که نو - لیبرالیسم تنها آلترناتیو برای انباشت ثروت توسط عده ای معدود است. فقط کافی است به بیش از یازده و نیم میلیون سندی که از دفتر وکالت "موساک فونسکا" به بیرون درز کرده، رجوع شود. این اسناد دانسته های ما را نسبت به اینکه در قرن ۲۱ از مردم زحمتکش جهان چگونه توسط طبقه ای مافیایی بهره برداری می شود، افزایش می دهد. در نظر داشته باشیم که موساک فونسکا تنها چهارمین بانک بزرگ پولشویی در جهان است.

اکنون برای دیرباوران روشن شده است که ثروت در کجا تولید می شود و در کجا اندوخته. از همین رو باید گفت این اسناد کار مارکسیستها را آسان کرده است.

حال می شود دید پشت پرده فعالیت مالی نخست وزیر ایسلند و رابطه آن با ارزش پول ملی که به نیم رسیده یا نخست وزیر بریتانیا، آقای دیوید کامرون، که با سخنرانیهای سفت و سخت و پر هیجان، پنهانی سد معبر در برابر رفرم مالیاتی ایجاد می کرد و غیره چیست. این اسناد حتی فاش می کند که چگونه دولتها تحریمها را دور می زنند تا رهبران کره شمالی، سوریه، روسیه و ایران... بتوانند حسابهایی داشته باشند که بتوانند به آسانی به آن دسترسی داشته باشند. طبقه حاکمه با دو چهره آشکار و پنهان به کار خود ادامه داده است. نخست، رقابتهای درون دولتی که به طور روزمره از آن در خبرها مطلع می شویم. اما چهره پنهان آن شبکه متحدی است که در سطح جهانی ایجاد کرده اند. آنان چنان در این شیدای تبحر دارند که به مراتب دست سرویسهای مخفی را از پشت می بندند.

چندی پیش افشاگرانی مانند "پلسی مینگ" و "ادوارد اسنودن" در همین زمینه شواهدی را افشا کردند که حاکی از نفوذ دولتها به زندگی خصوصی شهروندان، قتلهای مخفیانه و شکنجه، رسواییهای بانکی و حتی کودک آزاری اشخاص مشهور را شامل می شود.

این کمتر از یک درصد، به مردم اینگونه تفهیم می کند که دنیا به دو بخش تقسیم می شود: کشورهای دمکراتیک و کشورهای غیر دمکراتیک. اما وقتی رد پولها گرفته شد، مشخص می شود، این سرمایه داری است که راههای فرار از مسوولیت و خودکامگی را باز گذاشته است. به طبع، فرزندان این کلاشان هم وارثان طبقاتی آنان می شوند و اشرافیتی خواهیم داشت که به دوران فئودالی و برده داری تنه می زند، با این تفاوت که در آن دوران با دست رو عمل می شد و مشخص بود قدرت و ثروت در دست چه کسانی است، امروز اما ما دیگر تنها با نگاه کردن به کاخهای سر کشیده نمی توانیم دریابیم چه کسی آنجا ساکن است؛ مراکز قدرت و ثروت بسیار پیچیده تر عمل می کنند.

فرصتی برای اعتراضات جهانی

اسناد پاناما این فرصت را به وجود آورده که مردم سراسر جهان، حتی آنها که اهل اعتراض نبوده اند، وارد گفتگوهایی در باره اینکه چه کسانی حاصل دسترنج شان را چپاول می کنند بشوند. حتی اگر این افراد مالیات هم پرداخته بودند، این پرسش که چگونه به چنین ثروتی دست پیدا کرده اند، بیش از پیش مطرح می شود. تنها چند پاسخ به این سوال را مرور می کنیم:

- به گزارش "اکسفم"، یک شبکه مخفی گزارش داده است که کمپانیهای بزرگ آمریکایی ۱,۴ تریلیون دلار پول را به آن سوی مرز فرستاده اند

- ۵۰ شرکت از بزرگترین شرکتهای آمریکایی با استفاده از ابزارها، ترفندها و سوراخهایی از پرداخت مالیات به طور وسیع طفره رفته اند

- ۵۰ شرکت مزبور بین سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ حدود ۲,۶ میلیارد دلار خرج لابیها کرده اند و در مقابل ۱۱,۲ تریلیون دلار سود کسب کرده اند. این سودها از راه وام فدرال، ضمانت وام و گرفتن کمک مالی به دست آمده است. از جمله نامهای شناخته شده، "گلدمن ساکس"، شرکت ارتباطات "ورایزن"، "اپل"، "کوکا کولا"، "آی بی ام" و "شورون" مبلغی بیش از ۴ تریلیون سود در سطح جهانی بین سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ به دست آورده اند.

به جای تحت پیگرد جنایی قرار دادن این متقلبان مالی که سودهای کلانی هم از بحران بدهیهای مسکن به دست آورده اند، آنها تحت پوشش حفاظت مالی قرار گرفتند و با مالیاتهای زحمتکشان نجات پیدا کردند.

یک سناتور آمریکایی در این مورد توجیه می کند، این بانکها آنقدر بزرگ هستند که پیگرد قانونی آنها هم اثر منفی در اقتصاد ملی و هم احتمالاً در اقتصاد جهانی خواهد داشت.

در اروپا، بحران اقتصادی ۲۰۰۸ که با سود نزدیک به صفر و تزریق تریلیونها یورو به بازار سهام همراه بود، نتوانست اقتصاد سرمایه داری را زنده کند، زیرا به جای تلاش برای استفاده از این منابع جهت ایجاد شغل، منابع صرف نجات ثروتمندان بزرگ شد و ریاضت اقتصادی را به دنبال داشت.

نگاهی به اعتراضهای اخیر

گرایشات رو به رشد نو - فاشیستی به ویژه در آلمان و فرانسه هشدار دهنده این امر است که طبقه حاکم در کشورهای اروپایی سیاستهای تهاجمی به طبقه کارگر را هر چه بیشتر شدت می بخشد. همزمان اعتراضها علیه مناسبات نو - لیبرالی و تهاجم به شرایط کار و زندگی نیز افزایش پیدا کرده است. با این اعتراضها افراد بیشتری از اقشار گوناگون جوامع به صحنه آورده شده اند. در زیر به چند نمونه اشاره می شود:

اعتراضات هزاران نفر علیه شرکت ورایزن

در آمریکا، روز ۱۳ آوریل، ۴۰ هزار کارورز عضو اتحادیه دست به برگزاری آکسیونهای اعتراضی زدند.

آنها علیه حملات تهاجمی و رایزن، شرکتی که قصد دارد از پرداخت غرامت به کارکنان به خاطر سوانح کاری خودداری کند، کارکنانش امنیت شغلی ندارند و اتحادیه های آنان را در هم می شکنند، دست به اعتراض و اعتصاب زدند. این شرکت در حالی کارمندان خود را محروم می کند که سودهای کلانی به جیب می زند.

شرکت و رایزن نمونه روشنی از شرکتهایی است که حرص سود و انباشت سرمایه دارند؛ کمپانیهایی که از مالیات دادن فرار می کنند، اما زندگی کارگران خود را حتی در ساعات خارج از کار کنترل می کنند. کارگران گاهی حتی نمی توانند خانواده خود را طی دو ماه ببینند. و رایزن می خواهد دوران ۷ روز کار بدون مرخصی را باز گرداند. نکته جالب اینکه این کارگران اگر چه برای شرکتی که خدمات تلفنی و اینترنتی می دهد، کار می کنند، از داشتن اینترنت محروم هستند.

اعتصاب معلمان در شیکاگو

روز اول آوریل امسال، معلمان سراسر شهر شیکاگو از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند. آنها با این حرکت نشان دادند که همبستگی طبقاتی عمیقی بین خود دارند. در این اعتصاب سخنرانان گوناگونی صحبت کردند و از مشکلات و مبارزات خود گفته و به نقاط مشترکی که مبارزات قشرهای گوناگون جامعه دارند اشاره کردند.

فرانسه و بیداری شبانه

تجمع و اعتراضات تحت شعار "تمام شب بیداری" فرانسه را به لرزه در آورد. این تظاهرات که شباهت بسیاری به تظاهرات "برآشوبیدگان" در اسپانیا، در سال ۲۰۱۱ و "جنبش اشغال" در آمریکا دارد، نخست در اعتراض به قانون کار جدید دولت شکل گرفت. این رویداد در حالی اتفاق می افتد که راستها دست بالا را دارند و چپ و اتحادیه ها در سالهای اخیر حالت دفاعی پیدا کرده اند. حزب سوسیالیست به رهبری "فرانسوا اولاند" سیاستهای نو - لیبرالی را که به تشدید رکود اقتصادی انجامیده هدایت کرده است. بیکاری به بالای ۹ درصد از سال ۲۰۰۹ رسید و در ماه ژانویه به ۱۰٫۲ درصد رسید. پس از حملات تروریستی، احزاب مهم از حزب سوسیالیست حاکم تا دست راستیهایی مانند "جبهه ملی" موجی از حملات ضد مهاجران، راسیستی و ضد اسلامی را دامن زدند.

"الیویه بسانسو" و "فرانسوا سابادو" که از اعضا رهبری حزب "ضد سرمایه داری فرانسه هستند در این باره می گویند: "یک میلیون نفر به خیابانها آمدند تا به قانون کار آقای اولاند اعتراض کنند. اما نکته مهم در این است که این بار نسل جدیدی که وارد صحنه شده تنها از مدارس و دانشگاهها نیستند، بلکه شامل شاغلان که محل کار خود را برای شرکت در آن ترک می کنند و اعضا اتحادیه ها نیز می شود."

آنها چشم انداز را پیوستن هرچه بیشتر مردم به این اعتراضها می دانند و می گویند، دولت فرانسه باید به نتیجه همه پرسشها نگاهی بیاندازد که در آن ۷۰ درصد مردم مخالف شان با قانون جدید کار را ابراز داشته اند و تا به حال ۱٫۲ میلیون پتیشن امضا شده است. این در حالیست که اعتراضات هر روز بیشتر خواهد شد، زیرا مردم نه تنها مخالف قانون جدید هستند، بلکه به اثرات درازمدت بحران سرمایه داری در زندگی خود نیز معترض شده اند.

رهبران این حزب ضد سرمایه داری می گویند: "همچنان که این جنبش اوج می گیرد، سوالهای بسیاری پیش می آید که باید پاسخ داده شود؛ اینکه چگونه می شود جنبشهای همیشگی را با جنبشهایی که اکثریت جمعیت را به میدان می آورد، پیوند داد؟ چگونه اتحادیه ها عمل کنند تا بتوانند جوانان و کارگران را با سازمانهای خود همراه کنند؟ چگونه می توانیم بر تواناییهایمان نه فقط در روزهای اعتصابات عمومی، بلکه برای اعتصابات طولانی تر بیافزاییم و در صورتی که دولت قانون جدید را کنار نگذارد، بدانها تداوم بخشیم؟ اینها سوالاتی هستند که باید در برابر خود قرار دهیم."

تظاهرات ضد ریاضت اقتصادی در لندن

در لندن بیش از ۱۵۰ هزار نفر در یک تظاهرات خواستار استعفای "دیوید کامرون" شدند.

تظاهرات برای بهداشت، مسکن، کار، و آموزش از سوی گروهی به نام "مجمع عمومی علیه ریاضت اقتصادی" سازماندهی شده بود.

اسناد پاناما نشان می دهد که دیوید کامرون برای ثروتی که از پدرش به او رسیده، مالیات نداده است. دبیر این مجمع، "سام فیرباین" می گوید: "محافظه کاران هر روز بیشتر از روز پیش از واقعیت زندگی اکثریت مردم دور می شوند. آنچه که اسناد پاناما افشا کرده نشان می دهد، ثروتمندان در حالی که ثروت خود را مخفی می کنند، مردم را به ریاضت اقتصادی وادار کرده اند و از پرداخت مالیاتی که می تواند ایجاد کار کند و خدمات اجتماعی را افزایش دهد، خودداری می کنند. مردم خشمگین هستند و حق دارند. ما به اعتراضات آنقدر ادامه خواهیم داد تا این دولت در برابر خود، جنبشی را که توانایی خاموش کردن آن را ندارد، ببیند."

معترضان شعار می دادند: "نه اگر، نه اما، نه قطع خدمات"، "دیوید حقه باز بیرون، ما می دانیم تو کی و چی هستی." قابل توجه است که مهمترین کانالها و خبرگزاریهای انگلیس از جمله "بی بی سی" از پخش خبر تظاهرات خودداری کردند و مردم خشمگین به تویتر روی آوردند.

ایسلند

"سیگموندور گونلاگسون"، نخست وزیر ایسلند، که یکی از لو رفته های اسناد پاناما است نیز پس از اعتراضهای وسیع مردم از سمت خود کناره گیری کرد. آقای گونلاگسون نیز به پنهان کردن میلیونها دلار سرمایه تحت نام یک شرکت پوششی در گریزگاههای مالیاتی متهم شده بود. اگر چه نوع و شکل اعتراضها در کشورهای گوناگون متفاوت است و اگر چه دوران افت و سکون نسبی نیز داشته اند، اما هرگز خاموش نمی شوند و تا کسب نتیجه ادامه خواهند داشت.

این مهمترین جنبش در سالهای اخیر است

Kgk (طبقه علیه طبقه)

برگردان: بابک

اصلاحات بازار کار "فرانسوا اولاند" با مخالفت همگانی روبرو شده است، چه از سوی جوانان و چه از جانب کارگران. از ابتدای ماه مارس یک جنبش عظیم علیه این قوانین شکل گرفته است. با وجود انفعال رهبری اتحادیه ها و قوانین محدود کننده علیه گردهماییها، از شمار تظاهرات و بستن خیابانها و مراکز کاسته نمی شود. اعتصاب عمومی ۳۱ مارس گامی به جلو در ایجاد



اتحاد کارگران و دانشجویان بود. در این باره با "لورا ورله" (Laura Varlet) از اعضای فراکسیون کمونیستی انقلابی جوانان (CCR) در "حزب نوین ضد سرمایه داری" (NPA) به گفتگو نشستیم.

چه چیزی خشم جوانان و دانشجویان را برانگیخته است؟

خشم و نارضایتی از سیاست ضد اجتماعی دولت اولاند از مدتها پیش متراکم شده. این اولین قانون ضد کارگری نیست که اولاند تدوین کرده، اما این همان قطره ای است که موجب لبریز شدن لیوان می شود. این قانون یک عقبگرد بزرگ در

حقوق کارگری به حساب می آید؛ یک تهاجم وحشیانه علیه شرایط کار که تاکنون هیچ دولتی، حتی دولتهای راست نیز جرات دست زدن به آن را نداشته اند.

جوانان خود را به طور مستقیم هدف این قانون می دیدند، چون اخراجها را ساده و شرایط کاری را افزوده بر نبود امنیت شغلی موجود، بدتر می کند. امروزه بسیاری از جوانان مجبورند در مشاغل بی ثبات، با دستمزد ناکافی کار کنند. جوانان متوجه شده اند که قانون کار دولت، این شرایط سخت را وخیم تر خواهد کرد.

این جنبش که بیش از همه بین جوانها شکل گرفته، مهمترین جنبش در سالهای اخیر است. بسیاری آن را با مبارزات ۲۰۰۶ مقایسه می کنند؛ زمانی که اتحادی از دانشجویان و کارگران در مبارزه ای همبسته توانست مانع تصویب "قانون پیرامون اولین قرارداد کار" شود. جنبش حاضر هنوز به این سطح ارتقا پیدا نکرده و گردهماییها با وجود رشد، هنوز مانند آن زمان بزرگ نیستند. اما شرایط برای شکل گیری یک چنین پدیده ای وجود دارد.

جنبش در مدارس و دانشگاهها چگونه نمود می یابد؟



آخرین بسیج ملی در ۵ آوریل و در روزهای گذشته، به ویژه در اعتصاب عمومی ۳۱ مارس، نشان داد که جنبش گسترش پیدا می کند. در دانشگاههایی مانند "رن ۲"، "پاریس ۸" یا "پاری ۱" گردهماییها مملو از شرکت کننده است. افزون بر آن، ارتباط با جنبش کارگری بیشتر و بیشتر می شود.

برای مثال ما در پاریس ۸ در مجمع عمومی تصمیم گرفتیم نزد کارکنان راه آهن، رانندگان اتوبوس، کارگران خودروسازی و بخشهای مختلفی که در نزدیکی دانشگاه هستند برویم تا اتحادی بین کارگران دانشجویان شکل دهیم که توانایی به لرزه درآوردن دولت و مجبور کردن آن به پس گرفتن قانون اش را داشته باشد.

ما دانشجویان به حرکت درآمده ایم و مصمم هستیم تا آخر مبارزه کنیم، اما برای پیروزی به نیروی طبقه کارگر نیاز داریم. تنها هنگامی که موفق شویم مجموعه اقتصاد را فلج سازیم و سرمایه دارها را به این طریق کیش کنیم، به هدف خود مبنی بر عقب و داشتن دولت و صاحبان صنایع دست خواهیم یافت. این انگاشت هفته گذشته در مجمع هماهنگی ملی دانشجویان که در آن هفتاد مرکز دانشگاهی از سراسر کشور شرکت داشتند نیز مورد بحث قرار گرفت.

در مدارس نیز بسیج به پیش می رود و مناطق جدیدی به صف مبارزه می پیوندند. پدیده خودسامانگری بسیار انگیزاننده است. آنها در حال حاضر خود را در مراکز محلی هماهنگی سازمان می دهند و تلاش می کنند مجمع عمومی برگزار کنند، نماینده انتخاب کنند و با مدارس دیگر علیه فشارها هماهنگ شوند.

فشارها و سرکوب حکومت تا چه اندازه تاثیرگذار است؟

از ابتدای شروع جنبش، دولت تلاش می کند با اعمال فشارهای فزاینده اعتراضها را تضعیف کند. در ۱۷ مارس پلیس به دانشگاه پاریس ۱ "تلبیاک" حمله ور شد و شمار زیادی از دانشجویان را که برای شرکت در مجمع عمومی گرد آمده بودند، مضروب کرد. در ۲۴ مارس پلیس به طور وحشیانه ای دانش آموز ۱۵ ساله دبیرستان "برگسون"، یکی از فقیرترین محلات پاریس را کتک زد.

تصویرهای سرکوب وحشیانه مانند آتش به همه جا دامن کشیدند و موجب برانگیختن خشم و نفرت شدند. کارگرانی که پس از آن در ۳۱ مارس به خیابان آمدند، نه فقط علیه قانون کار، بلکه علیه سرکوب هم به اعتراض برخاستند. آنها حاضر نبودند به پلیس اجازه دهند "فرزندان" شان را مورد ضرب و شتم قرار دهد.

اما در ۵ آوریل جهشی در ابعاد سرکوب صورت گرفت. در تظاهرات پاریس، ۱۳۰ دانش آموز و دانشجو دستگیر شدند. پس از آنکه تظاهر کنندگان مسیر پیش بینی شده را به انتها رساندند، بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان و دانش آموزان از

دبیرسته‌ها و دانشگاه‌های گوناگون تصمیم گرفتند به خانه نروند و در عوض به سمت مراکز پلیس به حرکت درآمدند. تا آزادی بازداشت شدگان را بخواهند.

آنها در واکنش به برقراری حالت فوق العاده که حکومت از هنگام سووقصدهای ۱۳ نوامبر در سال گذشته تا کنون پابرجا نگاهداشته، شعار می دادند: "وضعیت فوق العاده و رژیم پلیسی مانع ادامه تظاهرات ما نخواهند شد". تظاهرکنندگان موفق شدند دستگیرشدگان را آزاد کنند. این یک پیروزی روانی و سیاسی بزرگ برای جنبش بود، چرا که دولت تلاش می کند مبارزات را با سرکوب درهم شکند و منزوی کند.



نمود این پروسه نزد کارگران چگونه است؟

این پروسه نزد آنها آهسته تر به جلو می رود، اگرچه خشم و فوران انفجاری زیادی هم وجود دارد، همچنانکه ۳۱ مارس نشان داد. تاثیر این اعتصاب عمومی یکروزه در بخشهای استراتژیک گوناگونی از اقتصاد مانند راه آهن مشهود بود. بعد از این روز مهم رهبری اتحادیه ها تصمیم گرفت فراخوانی برای انجام حرکت‌های دیگر در روزهای ۵ و ۹ آوریل بدهد، بدون آنکه به طور مشخص خواهان اعتصاب

شود. اینگونه آنها به همان تاکتیکی متوسل شدند که در جریان جنبش علیه اصلاحات بازنشستگی "سارکوزی" در سال ۲۰۱۰ به کار گرفته بودند. در آن هنگام هم رهبران اتحادیه ها به تفکیک حرکت‌های اعتراضی از اعتصاب روی آوردند. آنها هیچگاه به روشنی ضرورت پیشبرد یک اعتصاب عمومی تا عقب نشینی دولت را مطرح نکردند. به این طریق کوشیدند امکان ائتلاف بین جوانان بسیج شده و کارگران علیه قانون کار را کمرنگ کنند.

برای مثال، رهبران اتحادیه ها پیشنهاد دادند در ۵ آوریل بر نمایندگان مجلس که روز بعد (۶ آوریل) در باره پروژه دولت تصمیم گیری می کردند، فشار وارد کنند. این در حالی بود که یک اعتصاب عمومی می بایست در دستور کار گذاشته می شد. در مورد کارکنان راه آهن که با اصلاحات جدید یورش دیگری بر شرایط کار خود را شاهد هستند، رهبری "ثِ ژِ تِ" تاکنون از فراخواندن به "اعتصاب تا اطلاع ثانوی" (یعنی تصمیم گیری در باره ادامه اعتصاب در نشست‌ها) و پیوند دادن مبارزه علیه اصلاحات در راه آهن با مبارزه علیه اصلاحات بازار کار خودداری کرده است.

این امر اما محکم ترین تضمین برای گسترش مبارزه است. افزون بر آن، به طور مشخص ائتلاف با جوانان را طرح می کند؛ تحولی که قدرت عقب راندن دولت از هر دو اصلاحاتش را دارد.

یک مثال خوب برای گسترش مبارزه، اتحاد جوانان و کارگران بندر "لوآور" (Le Havre)، دومین بندر بزرگ کشور است. از هنگام شروع مبارزه علیه قانون کار، این بخش استراتژیک به طور مصمم همراه جوانان حرکت می کند. آنها در موقعیتهای گوناگون بندر و کشتیرانی را بلوکه کرده و نشان داده اند راه چیره شدن بر دولت و بزرگ ریسان کدام است.

در نقاطی که ما حضور داریم، برای ایجاد مجمع عمومی تشکیل شده از بخشهای گوناگون کارگری که در حال مبارزه هستند، تلاش می کنیم؛ سنتی که در مبارزات علیه اصلاحات بازنشستگی در سال ۲۰۱۰ وجود داشت و می تواند هنگامی که اعتصاب به یک چشم انداز واقعی بدل می شود، گزینه ای برای سیاست رهبری اتحادیه ها باشد. ما همچنین در هر مدرسه و دانشگاه برای بخشیدن شکل خودسامانگرانه به جنبش کوشش می کنیم، با هماهنگی و مجامع پایه ای که نمایندگان قابل عزل را انتخاب می کنند.

این یک مساله بنیادی در ایجاد رهبری آلترناتیو به جای سازمانهای سنتی مانند "UNEF" محسوب می شود. "UNEF" که بزرگترین اتحادیه دانشجویی کشور است، هم اکنون در حال مذاکره با دولت است و خود را برای دست کشیدن از مبارزه در بهترین فرصت آماده می کند.

این چند نفر

امید برهانی

پیش درآمد

اول ماه مه هر سال فرصت مناسب و مقتضی برای بازبینی و بازگویی جنبش جهانی کارگران و همراهی و تقویت حرکات اعتراضی نیروهای کار در داخل ایران است.

دیکتاتوری سلاح و سرمایه، انحصار و بی عدالتی به بی ثباتی سیاسی، جنگهای داخلی و خارجی، بحرانهای اقتصادی و حتی آسیبهای زیست محیطی و بلایای طبیعی (که خود ناشی از بی برنامه‌گی، سوء مدیریت و رها کردن مردم به دست تقدیر و طبیعت بی منطق است) دامن می زند، باعث گسترش فقر و بیکاری و مهاجرت بی رویه نیروی کار و رشد ناهنجار شهرها و حاشیه‌ی شهرها می شود که در قاموس سرمایه داری به آن "روند اجتناب ناپذیر توسعه"!! می گویند. این جنگل جهانی شده شکل و تعریف کلاسیک کارگر را بر هم زده و نیروی کار دیگر محدود به کارگر صنعتی یا معدنچی و دهقان نمی شود بلکه طیف گسترده‌ای از کارگران غیرحرفه‌ای مانند کارگران ساختمانی و خدمات نظافت، پیکهای حمل و نقل موتوری، نگهبان و پلیس خصوصی موسسات و مراکز خرید، پرستار کودک و سالمند تا کارشناس تخصصی مثل معلم و مهندس و دکترای حرفه‌ای مثل پزشک را در بر می گیرد. عنوان و مدرک مهم نیست، کافی است تا کار مستقل و سرمایه نداشته و مجبور باشی نیروی کار حرفه‌ای یا غیر حرفه‌ای خود را در اختیار شخص یا موسسه و یا دولت قرار دهی. آنوقت جزو طبقه‌ی کارگر خواهی بود.

برای پرهیز از کلی‌گویی و تکرار تئوریک و برای آشنایی هرچه نزدیک‌تر و ملموس‌تر با شرایط و دردسره‌ای نیروهای کار امروز ایران، نمونه‌هایی کاملاً حقیقی و پیوسته با هم در بخشی از تهران بزرگ ارائه می شوند.

آچار فرانسه

هومن، پزشک عمومی، کودکی را در فقر در محله‌های جنوب شهر گذرانده و از سال ۶۶ در دانشگاه تحصیل کرده است. این زمان سال پایان جنگ و افزایش چند برابری ظرفیت دانشگاهها و سهمیه‌های ویژه و سالهای خفقان و مردگی در دانشگاه است. به خاطر کشتارها و بگير و ببند های سال ۶۷ و ناسازگاری با کمیته‌های انضباطی دانشگاه دچار بحران روحی شد و از تحصیل عقب ماند. برای درآوردن خرج خود مجبور به کار دانشجویی با ساعت و حقوق بسیار کم و یا تدریس شد. با اینکه از از خانواده‌های قربانیان جنگ بود ولی از سهمیه‌های صدا خفه کن و مفت خور ساز استفاده نکرد و برای همین از مزایایی مانند معافیت از سربازی، تخصص، استخدام دولتی و پستهای اداری محروم ماند. با وجود دو سال خدمت در شهرهای کوچک و روستا به تهران بازگشت. در حالی که هنوز اجازه‌ی کار و پروانه‌ی طبابت تهران نداشت و تازه در صورت عدم منع قانونی، بازار کار پزشکان در آن سالها اشباع بود و مراکز خصوصی و خیریه به پزشکان به چشم نیروی کار ارزان نگاه می کردند. هومن که با پس انداز دوران خدمت ازدواج کرده بود باید با شیفتهای ۱۸ و ۲۴ ساعته و درآمد کم می ساخت و در کنار طبابت، به تدریس می پرداخت. بعد از ۱۲-۱۰ سال تغییر شغل و پیدا کردن ثبات نسبی، حالا باید برای از دست ندادن موقعیت شغلی خود و تامین معاش خانواده همچنان به کار شیفتی و شب بیداریها ادامه دهد. او همچنان وابستگی به سازمانهای دولتی و حکومتی ندارد و اهل تجارت و زد و بند با شرکتهای دارویی و تجهیزات پزشکی یا فعالیتهای کاذب پزشکی مثل زیبایی و ... هم نیست. مسوولیت حرفه‌ای سنگین، بیخوابیهای ممتد و وظیفه‌ی مراقبت از فرزندان از توان و سلامتی اش کم کرده است. در کنار با نارضایتیها، خستگیها و دردهای مزمن همسرش، ندا، که خود پرستار و قربانی بهره‌کشی و نابرابری بخش دولتی ست می سازد و روزها را می گذرانند....

بحران زده

ندا، همسر هومن و پرستار بیمارستان دولتی از سالها پیش است. انتظارات او از همسرش به عنوان پزشک برآورده نشده و خانه‌ای از خود ندارد. طی چند سال گذشته شاهد بحران در حرفه‌ی خود از جمله افزایش ساعات کار، کمبود همکار،

کمبود و پایین بودن کیفیت بخشها و تجهیزات بیمارستانی، فراوانی تصاعدی بیماران، پرداختهای ناعادلانه، کمبود امنیت شغلی و حتا جانی و ... بوده و چون دارای وجدان کاری حرفه ای قوی ست و نابرابری و ضایع شدن حق بیماران را هم تحمل نمی کند به تدریج دچار تنش عصبی، اختلال اسکلتی، عصبی و نوسانهای فشار خون می شود. به خاطر فرزندان کوچکش نمی تواند بیش از ساعات مقرر کار کند و در نتیجه مورد بی اعتنایی و انزجار مسوولان بخش و بیمارستان است و از کارانه ی قانونی خود هم محروم می شود. به علاوه بخشی از مسوولیت پرستاری از پدر و مادر سالخورده و بیمارش هم با اوست. همکاریانش برای تامین معاش تن به هر شرایطی از قبیل کار شیفتی در دو سه جا و اضافه کاری اجباری در همان محل دولتی می دهند و یا برای حفظ موقعیت و منافع خود و نیفتادن از چشم روسا و مدیران، با یکدیگر به رقابت و هم چشمی و خیانت می پردازند. بعضیها که شخصیت سالم تر و شهامت بیشتر دارند دست به اعتراض می زنند و اعتراض خود را در قالب اجتماع، تحصن و حمایت از فعالان خانه ی پرستاری در فضای حقیقی و مجازی نشان می دهند. این گروه در اقلیت اند. ندا با اینها و معدودی دیگر از همکاریانش رابطه ی دوستانه ای دارد که آنها دچار مشکلاتی به مراتب بزرگتر از مشکلات او هستند، از جمله ملیحه....

شاهد خیانت

ملیحه، دوست و همکار قدیمی ندا و پرستار نوع دوست و وظیفه شناسی است که کمی پیش از ندا با اصرار دیوانه وار یک دانشجوی مهندسی عمران با او ازدواج کرد و خیلی زود بچه دار شد و سالهای بی کاری و بی پولی همسرش را تحمل کرد. مهندس جوان به خاطر نداشتن سرمایه و پارتی به کار مزدی و پیمان کاریهای خرد برای شرکت پست و بیمارستانهای خصوصی می پردازد و جایی در پیمان کاریهای بزرگ ندارد. پولش را به موقع نمی دهند و دستش برای تامین مخارج خانواده اش خالی است. کار پر زحمت در باز سازی و پیش بردن پروژه های سپرده شده، تعهد زمانی به کارفرمایان و تعهد مالی نسبت به کارگران به سرعت فرسوده اش می کند و در جوانی راهی سی سی یو و آنژیوگرافی قلب می شود و نمی تواند مثل گذشته به خانواده رسیدگی کند. ملیحه، از نو بار تمام مسوولیتهای فرزندان و درس و مدرسه ی آنها را برعهده می گیرد. به عنوان سرپرستار بخش، با دفتر پرستاری و روسای بیمارستان برسر وضع آشفته ی بخش و کارانه ی ناعادلانه ی پرسنل خود درگیر است. مرگ ناگهانی و کم فاصله ی پدر و مادرش او را به شدت آسیب پذیر و زمین گیر می کند. در بیمارستان بستری می شود. به جای او همسرش از بستر برخاسته، پشیمان از راه سالم سالها طی شده (تحصیل، پیمان کاری جزئی، نا وابستگی به افراد سرمایه دار و با نفوذ) و نا امید از آینده ی کار صادقانه و پر مشقت، به تدریج تغییر خلق و مرام می دهد: حضورش در خانه کم می شود، با زن دیگری رابطه برقرار می کند تا اینکه به کل ملیحه و دو فرزند نوجوانش را تنها رها می کند. سرمایه ی مختصر ملیحه و خواهرش مرجان را که سهم الارث خانه ی پدری و بقیه هم وام بوده و برای ساخت و ساز مستقل در اختیارش گذاشته بودند برنمی گرداند. نزدیک به سه سال بلانکلیفی، عدم طلاق و عدم پرداخت حق قانونی همسر و فرزندانش می گذرد. ملیحه در صورت درخواست طلاق باید از تمام حقوق خود صرف نظر کند. او تنها و بی همراه، بار سنگین مسوولیت فرزندان نوجوانش را به دوش می کشد در حالی که حقوق پرستاری کفاف هزینه هایش را نمی دهد و خانواده ای هم ندارد که حمایتش کند. تنها خواهرش، مرجان در کنار اوست که خودش گرفتار گونه ای دیگر از ظلم و زن کشی است....

همراه بی گناه

مرجان، خواهر ملیحه، کارمند دفتر ثبت اسناد، پس از مرگ پدر و بعد مادرش در حالی که سهمی از خانه ی کوچک پدری به او رسیده در حالی که قادر به خرید خانه نیست خود را زود هنگام بازنشسته کرده و در حالی که حقوق کامل نمی گیرد، وقتش را صرف کمک به ملیحه و فرزندانش می کند و مختصر پول خود را به امید خانه دار شدن در آینده در اختیار همسر ملیحه می گذارد. بعد از مرگ مادر حقوق بازنشستگی پدر هم قطع می شود و وقتی مرجان برای برقراری دوباره ی حقوق پیگیری اداری را شروع می کند و کار را به دیوان عدالت اداری می کشاند، مسوول مربوطه به او پیشنهاد

می کند که قید حقوق را بزند و به جای آن ازدواج کند تا نیاز مالی اش تامین شود! و وقتی مرجان با تمسخر می گوید که حالا مرد خوب خرج بده از کجا گیر بیاورد، مسوول به شوخی یا جدی و با لحن کریه ای به او می گوید بیا عقد من شو!! مرجان، دل شکسته و تنها در حالی که علاوه بر مستمری پدری سرمایه ی مختصر خود را هم از دست داده، سالهای جوانی خود را در کنار خواهر خیانت دیده و فرزندانش می گذرانند در حالی که امیدی به داشتن مسکن، آینده ی بهتر و زندگی شادتر ندارد. هربار ندا و هومن فرصت کنند و به آنها سر بزنند برایشان درد دل می کند...

سوگوار از پیش

رقیه زن ۵۷ ساله ای ست که سالها ست در کلینیک سرایداری و کار خدماتی می کند و به تنهایی خرج خانواده را در می آورد. همسرش کارگر فنی نه چندان سالخورده ای ست که به دلیل بیماری قبلی قادر به کار نیست. مغازه و سرمایه ای هم از خود ندارد. دو پسرشان در محیط متشجع خانواده بزرگ می شوند، ترک تحصیل می کنند و حرفه ای یاد نمی گیرند. صاحب خانه جواب شان می کند. پول کافی برای ودیعه و اجاره ی مسکن ندارند. رقیه با قهر خانه را ترک می کند و موقتاً در محل کار خود (کلینیک) شبها را به صبح می رساند. پسرها آواره ی کوچه و خیابان می شوند. اولی در دام اعتیاد افتاده و کارش به مصرف شیشه و تزریق هرویین می کشد. هر چند روز دزدی و چاقو کشی می کند و مرتب بازداشت و آزاد می شود. مدام مزاحم مادرش می شود و از او اخاذی می کند و موقعیت او را در محل کارش متزلزل می کند. بدنش جای سالم ندارد و احتمال ایدز در او بالاست. پسر دوم هم پیاله ی جوانان بیکار و بدتر از خود شده و در یک درگیری خیابانی مرتکب قتل می شود و به قصاص محکوم می شود!! جرم و حکم در ۱۹ سالگی اتفاق می افتد. ۶ سال از ماجرا گذشته. پول دیه ی قتل فراهم نشده ولی حکمی هم اجرا نمی شود. رقیه، تنها و دردمند شب و روزش را به کار و در انتظار رسیدن خبر مرگ اولی و اعدام دومی می گذرانند و از غصه دچار فشار خون و دیابت می شود. انگشت پایش به دلیل زخم دیابتیک در معرض قطع قرار می گیرد. با کمکهای پزشکان و همکاریانش، بیماری تا حدودی کنترل و داروهایش تامین می شود، اما درد اصلی همچنان پابرجا ست! در این میان نق زدن و بهانه گیریهای مدیر و و نپرداختن به موقع حقوق و اضافه کار جزو برنامه های معمول و لاینفک زندگی او شده است.

قربانی خوش شانس

شبنم، دختر جوان ۲۱ ساله اهل استان مرکزی، استعداد زیادی در نقاشی دارد. اما تن به ازدواج با پسر عمویش می دهد، ترک تحصیل می کند و بعد از ازدواج در قرچک ورامین ساکن می شود. شوهرش کار و حرفه ی حسابی ندارد و بعد از مدتی در یک شرکت حمل و نقل شهری، پیک موتوری می شود. مجبور است تمام هفته برای رسیدن به سر کار خود جاده ی خطرناک قرچک تا تهران را با موتور سیکلت طی کند و برگردد. در تمام روز هم کارش حمل و نقل با موتور سیکلت در ازدحام و آلودگی شهر است. بیمه ی کار و بیمه ی حوادثی در کار نیست. شبنم خانه دار است ولی با توجه به درآمد کم و کار پر خطر همسرش تصمیم به کار کردن می گیرد. تنها کاری که نسبتاً راحت می تواند پیدا کند، خدمتکاری در منازل است. اما شرکتهای خدمات در منزل، وثیقه و گواهی عدم سوپیشینه و ... می خواهند. به آگهیهای روزنامه مراجعه می کند و تلفن ندا را پیدا می کند. ندای پرستار و همسرش گرفتار برنامه ی کاری فشرده اند و برای کار منزل و نگه داری از بچه ها به خدمتکار نیاز دارند. وثیقه و ضامن هم نمی خواهند. شبنم مدتی به خوبی در خانه ی آنها کار می کند و طرفین از هم راضی اند. بعد از مدتی شبنم و همسرش مجبور به تغییر خانه می شوند. با وجودی که هر دو کار می کنند پول کافی برای رهن خانه ی تازه ندارند. راه سریع و ساده ای به نظرش می رسد: با اینکه می داند صاحب کارش وضع مالی خوبی ندارد از اعتماد به موجود آمده سوء استفاده کرده و در یک فرصت مناسب، مختصر طلای ندا را که اندوخته ی سالهای کار و جوانی اش بود بر می دارد و فرار می کند. شوهرش هم چند روزی در محل کار خود آفتابی نمی شود. خانه را عوض می کنند.

شکایت ندا از این سرقت به جایی نمی رسد. روند قضایی کند، دست و پاگیر و مجرم گریز است، مدرک محکمه پسندی وجود ندارد و ضمانت و وثیقه ای هم که در کار نیست. شبنم در هر دو دادگاه اولیه و تجدید نظر تبرئه می شود! اوضاع چندان هم بر وفق مراد نمی ماند، شوهرش باقی مانده ی پول طلاهای باد آورده را خرج زنان تن فروش و مواد مخدر می کند!! از سرنوشت این زوج دیگر اطلاعی در دست نیست.....

بر بالین پیر و جوان

ثریا زن گیلانی، دیپلمه و با وجود سن کم دارای دو دختر نوجوان و یک پسر است. همسرش هم با وجود جوانی دچار تومور مغزی شده و بینایی و حرکت خود را از دست می دهد، از کار افتاده شده و پرستار دائمی لازم دارد. درمان پر هزینه و سنگین و کم نتیجه است. خانواده منبع درآمد و پشتیبانی ندارند. در منطقه کار پیدا نمی شود. ثریا همسر معلول و پسر خرد سالش را به دختران نوجوانش می سپارد و برای کار راهی تهران می شود. تنها در شرکتهای خدمات در منزل برای مراقبت از سالمند فرصت کاری هست و البته فقط با یک حقوق ساده که باید با آن هزینه های فرزندان و ادامه ی درمان همسرش را تامین کند. تمام وقت باید بر بالین سالمندان از کار افتاده و تنها مراقبت کند و کارهای خانه شان را هم انجام دهد. فقط سه روز در ماه مرخصی دارد که می تواند در آن سه روز در کنار فرزندان و بالین همسر جوان و معلولش بماند. با تلف شدن هر کدام از سالمندان تحت مراقبتش باید چند روزی بیکار و بلا تکلیف بماند تا مورد دیگری از سوی شرکت معرفی شود. گاهی مورد سوطن و خشونت های کلامی خانواده و بستگان سالمند قرار می گیرد. راهی جز ادامه ی کار با شرایط سخت ندارد. پس از چند سال تلاش موفق می شود خانواده اش را در یکی از شهرکهای اطراف تهران سکنی دهد. پسرش به سن راهنمایی رسیده، یکی از دخترانش که در وقت بی سر و سامانی خانواده ازدواج نامناسبی کرده بود طلاق گرفته و دچار بحران روحی می شود! ثریا در صدد پیدا کردن کاری برای دختر جوانش بر می آید....

یاس و مرگ

خلیل، مرد هفتاد ساله ای است که با ورشکستگی کارگاه کفاشی اش، برای ادامه ی معاش و برقرارماندن مستمری، به خدمتکاری در کلینیک مشغول می شود. با نشاط، خوش صحبت و با تجربه است. با وجود کم سواد ادبیات قدیم را خوب می داند. با هومن بسیار صمیمی است. با آمدن حکم بازنشستگی اش درخواست ادامه ی خدمت و مزد ساعتی می کند. با وجود سالها خدمت در آنجا، به بهانه ی پرگویی و کندی در کار، با درخواست او موافقت نمی شود و خلیل خوش صحبت و خوش جوش، خانه نشین و افسرده می شود، در حالی که مستمری اش کفاف زندگی و هزینه های درمان خودش و زنش را نمی دهد. مرگ ناگهانی قلبی همسرش او را به کلی از پا در می آورد. در کمتر از یک سال دچار اختلال بینایی و بعد، سکتة ی مغزی و کوما می شود. با وجود بستری در بیمارستان دولتی، هزینه ی تخت "آی سی یو" بالاست و فرزندان به ناچار پدر نیمه زنده را به خانه منتقل می کنند... کارفرمایان سابق پا جلو می گذارند و خیلی بیش از پولی را که خلیل زنده نیاز داشت، در قالب دارو و تجهیزات پزشکی صرف خلیل به کما رفته می کنند! خلیل بر نمی گردد.....

پرده ی آخر

نگاهی به آدمهای مجموعه ی بالا که زندگی و سرنوشت شان به گونه ای در هم تنیده شده نشان می دهد که اکثر آنها "زن" هستند، زنانی که حقوق مادی و معنوی شان از جمله حق کار، تحصیل، انتخاب ازدواج و فرزند داشتن در برابر ستم محسوس و نامحسوس پیرامون شان زیر پا له شده است. نکته ی دوم این که اکثرشان مسکن ندارند و تبعات نداشتن خانه بر زندگی و روابط آنها سایه افکنده است. تازه این نمونه ی آماری تصادفی با حجم اندک، مجموعه ای کاملاً ویتیرینی و شسته رفته ست که اعضایش خاستگاه خرده بورژوازی داشته، از سواد و امکان زندگی شهری برخوردار بوده و معضلاتی چون مهاجرت، حاشیه نشینی و کپر نشینی نداشته اند. اما در هر حال مشت کوچکی از خروارها ادبار، ناکامی، رنج و ظلم است که از نزدیک به سه دهه پیش، یعنی درست بلافاصله بعد از شروع سیاستهای نو لیبرال و ورشکسته ی به اصطلاح

سازندگی به اکثریت لایه ها و طبقات جامعه ی ایران به ویژه نیروهای کار پیشکش شد و در دولتهای مهورزی و اعتدال سیر تصاعدی پیدا کرد و به نتایج دهشتناکی چون گرانی لجام گسیخته، افزایش چند میلیونی و تورم نیروی کار، گستردش اعتیاد و جرم و جنایت، کارتن خوابی، تن فروشی، صدور زن و دختر به کشورهای دیگر انجامید...

جرثومه ی بی عدالتی، دیکتاتوری و بهره کشی که جنگ و ویرانی به بار می آورد و نابودی منابع طبیعی را هدف می گیرد، همان جرثومه ای ست که اقتصاد دلالی و وارداتی را سامان می دهد، درب صنعت و تولید را تخته می کند، از حقوق و مزایا و رفاه کارگر می دزدد و سرانجام طیف نیروی کار، از پزشک جوان گرفته تا سرایدار پیر را با یک چوب می نوازد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

عشق ریحان مرا این چنین شوریده سر کرد، تو گلایه نکن

شعله پاکروان

بهار زیبا برای انسان و طبیعت اطرافش یادآور بازآفرینی زندگی ست. اما برای بسیاری یادآور مرگ است. مادرم پنجاه و دو



سال قبل در چنین روزی برای اولین بار مادر شد. هر سال او به من تبریک تولد می گفت و من به او تبریک مادر شدن. امسال اما می خواهم به او بگویم تو مرا به دنیا آوردی و روز به روز یادم دادی معنای زندگی را از پنجره چشمها و دیدگاهت به جهان. آنچه بر من جاری کردی به دخترانم سپردم. اما مدتی ست چیزهای دیگری یاد گرفته ام. دخترم به من یاد داد و اکنون می خواهم به تو بسپرم. مادرم، یادت باشد کسانی هستند که بسیار پیش از تو دوران سخت فقدان را تجربه کرده اند. در تنهایی و غربت، بسیار تلخ گریسته اند. چنین روزهای بهاری برای آنان یادآور خزان و زمستان است. زنان بسیاری فرزندان و نوه های شان را از دست داده اند و صدای شان چون تو رسا نبوده و نیست. هزاران زن بار غم به دوش دارند و هم چنان در سکوتند.

تو معلم بودی. راه و رسم درس دادن را بلدی. صدایت مثل همه معلمها بلند است و به ته کلاس می رسد. وقتی کنار باغچه نوه ات می نشینی و قران می خوانی و فریاد می زنی، فقط ریحان را صدا نزن. ریحانها را ببین که در سراسر این سرزمین در دل خاک پنهان شده اند. ریحانهایی که هر کدام نوه ارشد مادر بزرگی بوده اند که توفان اعدام و موشک و جفا جان شان را گرفته و شکوفه زندگی شان را در بهار پرپر کرده. اگر گوش کنی صدای باد صبا به گوشت خواهد رسید که از تومی خواهد آغوشت را بازکنی برای کسانی که تا کنون به تنهایی گریسته اند و هنوز بغض در سینه دارند. بگذارای سرشان را روی شانه هایت بگذارند و زار زار گریه کنند. شاید بعد از سبک شدن سینه شان از بغض فروخته، صدای آنها هم رسا شود. تو یادشان بده چگونه راست بایستند و نه بگویند به مرگ آفرینان جانهای جوان. کسان زیادی به من می گویند تو را به جای شان ببوسم و سلام گرم شان را به تو برسانم. کسانی با عقاید متفاوت از تو. کسانی که تو را دوست دارند برای

شهامت و صدای بلندت. برای معلمی و آموزش. تو حتی وقتی به دیدار دختر سربندی رفتی به او چیزی یاد دادی. به او گفתי تو هم به دختری یاد بده که اگر کسی قصد درازی به او را داشت نترسد و دست متجاوز را بشکند.

اما چه کنیم با کسانی که قصد دست درازی به آزادی را دارند؟ معلمی کن و یادم بده که چگونه از کیان آزادی دفاع کنم. تا من و ما به فرزندان مان بیاموزیم آنچه یادمان می دهی. ...یادم بده چگونه شاهراه آزادی را پیدا کنم. تا کنون دانسته ام که اعدام فرزندان مان سدی بر رسیدن به این شاهراه است. حتی اگر در گوشم نجوا کنی خود فریادی است که به چهار گوشه جهان خواهد رسید. چرا که چون تو مادران بسیاری. هر چند هنوز همدیگر را پیدا نکرده اید.

من به تداوم زندگی و زایش ایمان دارم. زنان تا ابد سر رشته ی این زایش را در دست دارند. ایمان دارم نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد، یقین دارم عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد. زنان حافظان زندگی اند. مراقبان پسران و دختران شان. گاه چون آسیه، فرزند بر رود نیل رها می کنند، گاه چون همسر یزدگرد فرزندان شان را از چهار گوشه شهر فراری می دهند. گاه چون هاجر از کوهی به کوهی می روند برای نجات پاره تن. گاه چون اکرم کفش و عصای آهنین دارند برای یافتن سعادت زندگی شان.

گاه چون مریم روزه سکوت می گیرند تا فرزند سخن بگوید و گاه چون گوهر زبان ستار می شوند. زنان سلسله جنبان محافظ زمینند.....من اما، اکنون می دانم که اگر اسیر خواب شوم، چنان که پیش از این بودم، آینده چیزی جز چوبه های بیشتر و زندانهای فراختر نخواهد زاید. پس، لالایی نخواهم خواند در گوش خواهران و برادرانم. برعکس، با صدایی تلخ و نخراشیده، سراسیمه می گویم آی آدمها بجنبید پیش از آن که مقهور لالایی بنگاهها و بوقهای تبلیغاتی سیستماتیکی شوید که چشمهایتان را می بندند و به خواب می برند تا ندانید که هر روز جوانی از خانه ای ربوده می شود تا بالای دار برقصد به جای رقص در میدان زندگی.

مادرم، تنها یک آرزو دارم و آن ایران بدون اعدام است. می خواهم حلقه یی از زنجیر انسانی نه به اعدام باشم. می خواهم پیش از ترک دنیای فانی به این آرزو برسم. گلایه نکن که از مرگ می گویم. که خود می دانی دنیای فراخ و زیبا، بعد از ریحان برایم فریبایی نمی کند. می دانی که دیگر اسیر خور و خواب نیستم. و هر لحظه از شوق دیدار ریحان غرق لذت می شوم. مرگ برای من تلخ نیست. از مرگ نمی ترسم. این را ریحان یادم داد. من نیز بتو می آموزم. اما تا آن زمان کار بسیار است و بار بر دشمنان. می بایست با اژدهای هفت سر مدافع مرگ رو در رو و چشم در چشم باشیم. لحظه ای غفلت، برپا می کند چوبه یی دیگر.

تو برای دخترانم هفت خوان رستم و اسفندیار را خواندی. از حيله ها و مکر مکاران در مسیر گفתי. از جادوی اژدها و دیو سپید. تو از ضحاک و مارهای گرسنه اش گفתי که اشتهای سیری ناپذیری برای جان جوانان داشتند. تو از کاوه گفתי و ارمایل و گرمایل و آبتین و فرانک و فریدون. تو قصه ها را گفתי و بعدها دیگرانی تفسیر قصه ها و رازهای پنهان در هزار لایه را.

مادرم، گلایه نکن. من نسلی هستم میان دو نسل قدرتمند و صبور چون تو و عصیانگر و انسان گرا چون ریحان. باید تکلیف خودم را با زندگی روشن کنم. نمی خواهم مادری مثل تو کنار سنگ قبر نوه ی اعدامی اش بنشیند. نمی خواهم دختری چون ریحان پشت میله ها بزرگ شود و بر دار برقصد. نمی خواهم زنی مثل من میان دو نسل گم شود و نداند چه کند با غم. نمی خواهم با ساز ناساز خدایان مرگ برقصم. ساز خود را دارم. ساز عشق. ساز زیبایی. ساز مردن برای زندگی ریحان هایم. نمی خواهم باغچه ام در گورستان باشد. می خواهم در باغی به وسعت جهان تماشا کنم شکفتن غنچه های جوان و پرواز پروانه ها را. می خواهم کیوتران آزادی در گوشه گوشه آسمان بیکران پرواز کنند. عشق ریحان مرا اینچنین شوریده سر کرد. تو گلایه نکن.

بهار ۹۵

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری



اصل موضوع دیه زنان همچنان مساله دار است

ایسنا، ۱۲ فروردین - معاون روحانی در امور زنان و خانواده گفت: "قانونی که در زمینه دیه زن و مرد نهایی شده، صرفاً در خصوص دیه حوادث و تعهد شرکتهای بیمه نسبت به دیه زنان است، ولی در مورد اصل موضوع دیه زنان در قانون مجازات اسلامی همچنان مساله وجود دارد و هنوز به برابری دیه زن و مرد نرسیده ایم." شهیندخت مولوردی افزود: "قطعاً تعامل بین حوزه های علمیه، قوه مجریه و قوه مقننه برای اصلاح و بازنگری و وضع قوانین جدید در این حوزه به شدت مورد نیاز است، چرا که مبنای قوانین ما بر فقه است، بنابراین نمی توانیم بی نیاز از این تعامل باشیم."

شکایت اعضای تیم فوتبال زنان آمریکا از تبعیض در حقوق و دستمزد

صدای آمریکا، ۱۲ فروردین، پنج عضو اصلی تیم ملی فوتبال زنان، برندگان جام جهانی و قهرمان المپیک آمریکا، در شکایتی به یک دادگاه فدرال این کشور، فدراسیون فوتبال آمریکا را به تبعیض در پرداخت دستمزد متهم کرده اند. آنها در شکواییه می گویند این تیم نیروی اقتصادی محرکه ای برای فوتبال آمریکا است در حالی که بازیکنان تیم زنان فوتبال دستمزدهایی بسیار کمتر از همتایان خود در تیم مردان دریافت می کنند.



امضا کنندگان شکواییه از جمله برجسته ترین و مشهور ترین ورزشکاران زن در جهان هستند. آنها در شکایت خود که روز چهارشنبه به کمیسیون فرصتهای شغلی برابر ارائه دادند، درخواست کردند درباره روش کار فدراسیون فوتبال تحقیق شود. "کارلی لوید"، کاپیتان تیم در بیانیه ای گفت: "ما سالها کاملاً صبور بوده ایم، با این اعتقاد که فدراسیون درست عمل خواهد کرد و دستمزدی عادلانه خواهد پرداخت." یکی دیگر از اعضای تیم گفت، آنها چهل درصد حقوق فوتبالیستهای تیم مردان را دریافت می کنند، هرچند که سال پیش به سوی کسب مقام قهرمانی جهان حرکت کردند.

اولین رییس مجلس زن در ویتنام

خبرگزاری آناتولی، ۱۲ فروردین - "نگوین تی کیم نگان" به عنوان اولین رییس زن در مجلس ویتنام انتخاب شد.

بر اساس گزارش وب سایت مجلس ملی ویتنام، نگوین تی کیم نگان ۶۱ ساله با اخذ ۹۵٫۵ درصد آرا به عنوان اولین رییس زن مجلس این کشور انتخاب شد. نگان که تاکنون پستهای مختلفی داشته، از پنج سال به این سو معاون رییس مجلس ویتنام بوده است.



اعتراض مهمانداران زن ایرفرانس به حجاب اجباری در پرواز به ایران



دویچه وله، ۱۵ فروردین - شرکت هواپیمایی "ایرفرانس" به زودی پروازهای خود از پاریس به تهران را از سر می گیرد. به این مناسبت شرکت مزبور از مهمانداران زن خواسته است تا پس از خروج از هواپیما در ایران روسری سر کنند. این دستور اعتراضهای گسترده ای به همراه داشته است. مدیران ایرفرانس به تازگی بخشنامه ای را به خدمه پرواز ابلاغ کرده اند که در آن آمده کارکنان زن باید "به هنگام پرواز (به ایران) شلوار و کتھایی گشاد به تن داشته باشند و به هنگام ترک هواپیما نیز باید موهای خود را با روسری بپوشانند".

در این بخشنامه همچنین به مهمانداران زن تذکر داده شده که از سیگار کشیدن در اماکن عمومی خودداری کنند. شماری از مهمانداران زن شرکت هواپیمایی "ایرفرانس" نسبت به دستور این شرکت مبنی بر سر کردن روسری به هنگام فرود در تهران اعتراض کرده اند. "کریستوف پیه"، یکی از مقامهای اتحادیه ملی خدمه پروازی فرانسه (SNPNC) به خبرگزاری فرانسه گفته است: "هر روز ما تماسهایی را از مهمانداران زن دریافت می کنیم که به ما می گویند، نمی خواهند روسری سر کنند." این اتحادیه از شرکت هواپیمایی ایرفرانس خواسته است تا داشتن حجاب را برای مهمانداران زن در پرواز به ایران داوطلبانه اعلام کند.

به گفته کریستوف پیه، مدیران این شرکت امکان "جریمه" کسانی که از این بخشنامه پوشش سرپیچی کنند را منتفی نداشته اند.

اتحادیه های خدمه پرواز ایرفرانس می گویند که مهمانداران زن باید از حق خودداری از انجام این پروازها بدون آنکه از دستمزدشان کاسته شود یا به عنوان نکته ای منفی در پرونده کاری شان به ثبت برسد، برخوردار باشند. در فرانسه هر زنی که از برقع یا نقاب در مجامع عمومی استفاده کند، به پرداخت جریمه نقدی محکوم می شود.

دولت سوییس: معافیت دانش آموزان مسلمان از دست دادن با جنس مخالف پذیرفتنی نیست

بی بی سی، ۱۷ فروردین - دولت سوییس از تصمیم یک مدرسه این کشور در معاف کردن دانش آموزان مسلمان پسر از دست دادن با زنان به شدت انتقاد کرده است.

روز گذشته، یک مدرسه واقع در شمال سوییس اعلام کرد که پسران دانش آموز مسلمان این مدرسه ملزم نیستند با معلمان زن دست بدهند. در سوییس، دست دادن دانش آموزان و معلمان یک سنت محسوب می شود.

این مدرسه که در ناحیه ترویل، در کانتون "بازل" (بال) در شمال سوییس واقع شده، گفته است که تصمیم فوق را به درخواست دو دانش آموز پسر چهارده و پانزده ساله اتخاذ کرده که گفته بودند هرگونه تماس فیزیکی بین زنان و مردان، مگر خویشاوندان نزدیک، با اصول دین آنان، اسلام، مغایرت دارد. آنان خواسته بودند از دست دادن با معلمان زن معاف شوند.

منتقدان می گویند که دست دادن دانش آموز و معلم بخشی از آداب و سنن سوییسی است و کسانی که در این کشور تحصیل می کنند، باید به سنتهای بومی احترام بگذارند.

رئیس کمیسیون آموزش و فرهنگ پارلمان سوییس نیز گفته است که دست دادن معلم و دانش آموز "نشانه احترام و ادب است" و رئیس کنفرانس وزیران آموزش کانتونهای سوییس افزوده است: "برای ما قابل تحمل نیست که با زنان و مردان در جامعه به شکلی متفاوت رفتار شود."

چهار زن کاندیدای سمت دبیرکلی سازمان ملل

وزیر
خود
شود



راديو زمانه، ۱۷ فروردین - "هلن کلارک"، نخست پیشین نیوزلند، روز دوشنبه ۴ آوریل / ۱۶ فروردین کاندیداتوری خود را برای سمت دبیرکلی سازمان ملل اعلام کرد. او چهارمین زنی است که برای این سمت را نامزد کرده است.

به گزارش رویترز، هلن کلارک، مدیر فعلی برنامه های سازمان ملل برای توسعه، به جدیت در تکاپوست تا جایگزین بان کی مون، دبیرکل کنونی سازمان ملل،

و بدین ترتیب، نخستین زنی باشد که در طول ۷۰ سال عمر این سازمان، سکان آن را در دست می گیرد. او گفت: "من در این انتخابات بر اساس تواناییهای خود شرکت می کنم و امیدوارم که در قرن بیست و یکم، کاندیداتوری من به اندازه کاندیداتوری یک مرد مورد توجه قرار گیرد."

بان کی مون، دبیرکل کنونی سازمان ملل و وزیر امور خارجه پیشین کره جنوبی، پس از دو دوره پنج ساله در پایان سال ۲۰۱۶ از سمت خود کنار خواهد کشید.

پیش از این، هفت نفر دیگر، از جمله سه زن نیز کاندیداتوری خود را برای سمت دبیرکل سازمان ملل اعلام کرده اند. سه زن دیگر عبارتند از "ایرینا بوکووا"، دبیرکل کنونی یونسکو از بلغارستان، "وسنا پوسیچ"، وزیر امور خارجه پیشین کرواسی و "ناتالیا قرمان"، وزیر خارجه قبلی مولداوی.

دبیرکل بعدی سازمان ملل از اول ژانویه ۲۰۱۷ میلادی آغاز به کار خواهد کرد و در یک دوره پنج ساله به حل و فصل مسایل بین المللی خواهد پرداخت.

ایرفرانس از حجاب اجباری یک گام عقب نشست

راديو فردا، ۱۶ فروردین - شرکت هواپیمایی "ایرفرانس" در واکنش به اعتراضهای گسترده به ابلاغ بخشنامه حجاب اجباری برای مهمانداران زن، اعلام کرد مهمانداران زن این خط هوایی می توانند در صورت عدم تمایل، از حضور در پروازهای آن به مقصد ایران به دلیل اجبار در پوشیدن روسری خودداری کنند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، ایرفرانس تصمیم گرفت تا برای کارکنانی که نمی خواهند در مسیر پاریس - تهران کار کنند، استثنا قایل شده و آنها را در پروازهای دیگر جایگزین کند بدون اینکه مجازات شوند.

"ژیل گاتو"، رییس بخش اداری ایرفرانس، در گفت و گو با "راديو اروپای یک" این خبر را اعلام کرده است.

در حال حاضر روسری سر کردن در برخی از پروازهای ایرفرانس به سایر کشورها از جمله عربستان سعودی اجباری است.

تصویب قانون مجازات مشتریان کارگران جنسی در فرانسه

یورونیوز، ۱۹ فروردین - مجمع ملی فرانسه قانون مجازات مشتریان روسپیان را تصویب کرد. با این اقدام، فرانسه پنجمین کشور اروپایی خواهد بود که بعد از سوئد، نروژ، ایسلند و بریتانیا مجازات متقاضیان خدمات کارگران جنسی را تصویب می کند.

اگر این قانون به تصویب مجلس سنا برسد، مشتریان روسپیان ۱۵۰۰ یورو جریمه می شوند و در صورت تکرار جرم، این جریمه تا ۳۷۵۰ یورو افزایش می یابد.

روسپی گری در فرانسه قانونی است، اما قانون سال ۲۰۰۳ درخواست خیابانی را ممنوع کرده است. متن قانون جدید با ارایه کمکهای اجتماعی و اجازه اقامت شش ماهه برای روسپیان خارجی، امکاناتی برای خروج این زنان از روسپی گری را در نظر گرفته است.

حدود چهل هزار روسپی در فرانسه کار می کنند که حدود ۹۰ درصد آنها خارجی اند و اغلب اهل کشورهایمانند نیجریه، چین و رومانی هستند.

کوتاه کردن مو، شیوه جدید زنان ایرانی برای خلاصی از جریمه بدحجابی

قاصدان آزادی، ۲۴ فروردین - زنان ایرانی برای خلاصی از مواخذه و جریمه برای بدحجابی در حین رانندگی، به جای رعایت قوانین رژیم، موهای خود را کوتاه می کنند تا ماموران راهنمایی و رانندگی نتوانند آنها را از مردان تشخیص بدهند. خبرگزاری حکومتی فارس ضمن تاکید بر تذکرات موکد مقامات، با خشم نسبت به تن ندادن زنان ایرانی به حجاب اجباری نوشت: "افراد بدحجاب این روزها شیوه جدیدی برای بدحجابی هنگام رانندگی و فرار از دست مجریان قانون پیدا کرده اند. آنها شیوه ای یافته اند تا دیگر نه نیازی به روسری و شال داشته باشند و نه خودروی شان از سوی ماموران متوقف شود: کوتاه کردن موهای سر به اندازه موهای مردان و پسران (مدل پسرانه). بنابراین مامورانی که از دور آنها را می بینند، به تصور اینکه این افراد مرد هستند، مانع حرکت آنها نمی شوند."

خبرنگاران زن در افغانستان، زیر فشار تهدید، تبعیض و آزار جنسی



یورونیوز، ۲۷ فروردین - بر اساس نتایج منتشر شده یک پژوهش جدید "کمیته مصونیت خبرنگاران افغانستان"، خبرنگاران زن افغان همواره مورد تهدید و سرزنش از سوی خانواده و افراط گرایان مذهبی هستند و بیش از نیمی از زنان خبرنگار در محیط کار مورد آزار جنسی قرار می گیرند.

این تحقیق در هفت ولایت افغانستان که میزان حضور زنان خبرنگار در آنها بیشتر است، انجام شده و تعداد صد مصاحبه شونده به سوالات این تحقیق پاسخ داده اند.

نجیب شریفی، رییس کمیته مصونیت خبرنگاران افغانستان، روز پنج شنبه در نشست خبری در مرکز رسانه های حکومت گفت: "۶۹ درصد خبرنگاران زن در هنگام گرفتن گزارش در داخل شهر و ۵۹ درصد دیگر در محیط کار مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند، اما به نظر می رسد میزان آزار جنسی بیشتر از یافته های به دست آمده در تحقیق باشد، چون برخی زنان به خاطر ترس از آزار بیشتر و امنیت خانواده شان، حاضر نیستند که موارد آزار جنسی را بیان کنند." وی افزود: "در حین انجام تحقیق متوجه شده ایم که پس از سال ۲۰۱۴ میلادی تعداد زنان خبرنگار در افغانستان کاهش یافته است."

پیش از این، "دفتر حمایت کننده از رسانه های آزاد در افغانستان" اعلام کرد که به خاطر ناامنی، بسیاری از کارمندان حرفه ای زن از کار در رسانه های محلی انصراف داده اند و این یکی از چالشهای بزرگ رسانه در افغانستان است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری

در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

چالشهای معلمان در فروردین ماه

فرنگیس بایقره

اعتراض معلمان به عدم صدور احکام ارتقای شغلی



تسنیم، ۱۳ فروردین - فرهنگیان نسبت به صادر نشدن احکام ارتقای شغلی (خبره و عالی) پس از اجرای طرح رتبه بندی از ابتدای مهر سال ۹۴ معترض هستند. در همین رابطه یکی از فرهنگیان گفت: "شهریور سال ۹۴ وارد بیست و پنجمین سال خدمتم شدم و قرار بود رتبه عالی را آخر شهریور دریافت کنم و اعلام شد که ۱۴ مهر حکم عالی برایم صادر می شود، اما محقق نشد و آموزش و پرورش از صدور احکام خودداری می کند."

محسن بهارلو، مدیرکل تعاون و پشتیبانی آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران، در پاسخ به این پرسش که "چرا با اجرای طرح رتبه بندی از مهر ۹۴ دیگر احکام ارتقای شغلی معلمان صادر نمی شود؟" اظهار داشت: "از ابتدای مهر ۹۴ رتبه بندی معلمان وارد فاز اجرا شد. در چنین شرایطی صدور احکام ارتقای شغلی معنایی ندارد." در همین رابطه حسن حسینی، مدیرکل امور اداری و تشکیلات وزارت آموزش و پرورش نیز گفته است: "بخشنامه ای که معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در سال ۸۸ و ۸۹ صادر کرده بود، تا مهر سال ۹۴ برای همه اجرا شد و با اجرای رتبه بندی از مهر ۹۴ دیگر بحث ارتقای شغلی قدیم منتفی است."

اطلاعیه کانون صنفی معلمان ایران پیرامون خبر کذب سایت "صدای معلم"

حقوق معلم و کارگر، ۱۵ فروردین - کانون صنفی معلمان ایران با انتشار بیانیه ای، اخبار منتشره وبگاه "صدای معلم" در باره معلم زندانی، رسول بداقی را تکذیب کرده است. در این بیانیه گفته می شود: "سایت صدای معلم در اقدامی کاملا غیر حرفه ای و خارج از عرف رسانه ای، با اشاره به شنیده های موثق از آزادی قریب الوقوع رسول بداقی خبر داده است. این در حالی است که رسول بداقی، خانواده ایشان وکیل این معلم زندانی هر گونه تحول جدید در پرونده وی را تکذیب کرده اند. بدین وسیله ضمن تکذیب خبر این سایت خبرساز، به اطلاع همکاران عزیز می رساند که خبرهای مربوط به همکاران دربند از طریق کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان به اطلاع همگان خواهد رسید و درج هر خبری خارج از جریان کانون صنفی معلمان فاقد وجهت خبری است. ضمنا برخلاف خبر سایت صدای معلم، رسول بداقی مدت شش سال و هشت ماه است که بدون یک روز مرخصی در بند می باشد."



کشته شدن یک معلم زیر آوار مدرسه خشت و گلی

ایلنا - ۱۶ فروردین - فرو ریختن دیوار مدرسه در پی وقوع گردباد در منطقه مرزی روتک، بخش مرکزی خاش، موجب مرگ حمیدرضا گنگوزهی، معلم جوان مدرسه شد. فرماندار خاش در این رابطه مدعی شد علت حادثه فرو ریختن "دیوار منزل روستایی کنار مدرسه" بوده است. محمداکبر چاکرزهی گفت: "دیوار منزل روستایی که در همسایگی

مدرسه قرار داشت، به دلیل بارندگی اخیر نم کشیده بود که برای دانش آموزان در زنگ تفریح خطرناک شد." چاکرزه می افزود: "تلاش معلمان برای نجات شاگردان خود کار بسیار ارزشمند و ستودنی بوده که این سانحه دردناک نتیجه اش جان باختن یکی از این عزیزان و مجروح شدن همکار وی می شود." به گفته وی ۵۳ دانش آموز در این دبستان تحصیل می کنند. منطقه مرزی روتک به طول ۱۲۴ کیلومتر در بخش مرکزی خاش همجوار با کشور پاکستان است. خاش در ۱۸۵ کیلومتری جنوب زاهدان مرکز سیستان و بلوچستان واقع شده است.



تهدید معلمان یزدی به اعتصاب

تابناک، ۱۷ فروردین - برخی معلمان یزدی تهدید کرده اند که اگر تا تاریخ ۲۷ فروردین حق التدریس آنها پرداخت نشود، از شنبه ۲۸ فروردین در مدرسه حاضر شده ولی سر کلاس درس نخواهند رفت.

معلمان یزدی سال گذشته نیز با برپایی چندین تجمع خواستار اجرای قانون هماهنگ پرداخت حقوق و رفع تبعیض بین کارکنان دولت، اصلاح احکام کارگزینی،

پرداخت حق مسکن و لباس، اصلاح سیستم بیمه و پرداخت حق بازنشستگی معلمان شده بودند. اجرای نظام گروه بندی برای فرهنگیان (تقسیم بندی معلمان به معلم یار، دانشیار و استادیار و ایجاد تفاوت در حقوق و مزایای آنان)، رعایت عدالت میان کارکنان دولت، برابری و رفع تبعیض دستمزد و بهبود شرایط معیشتی معلمان و سامان دادن به شرایط بد آموزشی برخی مدارس از مهمترین خواسته های فرهنگیان گزارش شده است.

اعلام اعتصاب غذای دو فعال کارگری و معلمان از روز دهم اردیبهشت



حقوق معلم و کارگر، ۲۱ فروردین - جعفر عظیم زاده، دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی، دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران در بیانیه مشترکی اعلام کردند از روز دهم اردیبهشت "به مناسبت اول ماه مه و در اعتراض به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی و تجمعات و اعتصابات کارگران و معلمان، دستمزدهای زیر خط فقر، ممنوعیت برگزاری مستقلانه و آزادانه روز جهانی کارگر و روز جهانی معلم" دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

دو فعال صنفی در این بیانیه می نویسند: "پاسخ دولتهای مختلف به وضعیت فلاکتبار معلمان و کارگران، تنها و تنها تشدید سرکوب اعتراضات صنفی، تلاش برای تحمیل بی حقوقی بیشتر به آنان و بر این بستر تسهیل زمینه های غارت و چپاول روز افزون سفره های خالی آنها بوده است. به طوریکه در نتیجه این سیاستها، از زمان استقرار دولت روحانی به این سو، بخشنامه ممنوعیت اعتصاب و اعتراض از سوی قوه قضاییه بطور رسمی به برخی مراکز کارگری ابلاغ شده، دامنه سرکوب اعتراضات کارگران و معلمان در ابعادی سراسری به اعتراضات آرام آنان در محل کارشان گسترش پیدا کرده، صدها کارگر و معلم احضار، بازداشت و تحت تعقیب قضایی قرار گرفته اند، چهره های موثر معدود تشکلهای مستقل کارگران و معلمان با اتهامات سنگین امنیتی مواجه شده اند و تعدادی از آنان و منجمله ما در حال گذراندن حبسهای طولانی در زندانهای کشور هستیم."

فعالان زندانی ادامه می گویند: "به ما اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" زده اند و بر این اساس با حکمهای طویل المدت در زندان اوین محبوس هستیم. ما همچون هزاران کارگر و معلم معترض، هیچ فعالیتی جز دفاع از کرامت انسانی خود و هم طبقه ای هایمان نداشتیم. تمام فعالیتهای ما و دیگر همکاران زندانی مان در کانون صنفی معلمان، اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر تشکلهای مستقل کارگری و معلمان در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار دارد و بر همگان روشن است."

آنها سپس توضیح می دهند: "ما می دانیم و بر این امر اذعان داریم که با فعالیتهایمان امنیت و آسایش کسانی را که بر بستر قانون شکنی و تحمیل فقر و فلاکت بر کارگران و معلمان سالیان سال دست به غارتگری زده اند به خطر انداخته ایم و با اصرار بر تحقق خواستههای بر حق مان، تداوم منافع چپاولگرانه آنان را به چالش کشیده ایم."

حمایت گسترده از خواسته های دو فعال زندانی کارگری و معلمان

رسانه ها - در پی انتشار بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده، دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی، دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران در اعتراض به شرایط فلاکت بار کارورزان فکری و یدی و سرکوب آنها، تشکلهای گوناگون صنفی کارگران و معلمان از سراسر کشور به حمایت از آنها برخاستند.

برخی از تشکلهایی که در این راستا پشتیبانی خود را اعلام داشته اند عبارتند از: کانون صنفی فرهنگیان گیلان، جمعی از فعالان فرهنگی شهرستان بروجرد، جمعی از فرهنگیان استان زنجان، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، فعالان صنفی فرهنگیان خراسان رضوی، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران و اتحادیه آزاد کارگران ایران.

همه معلمان، چه رسمی و چه غیر رسمی زیر خط فقر قرار دارند

ایلنا، ۲۲ فروردین - یک فعال صنفی معلمان می گوید: "در حالی که به پایان سال تحصیلی نزدیک می شویم که هنوز معلمان حق التدریس یک ریال از بابت زحمات هفت ماه گذشته خود دریافت نکرده اند. چنین چیزی در هیچ کدام از ارگانهای دولتی وجود ندارد."

محمد حبیبی، فعال صنفی معلمان همچنین به عدم پرداخت حق الزحمه اضافه کار معلمان رسمی اشاره کرد و گفت: "تقریباً همه معلمان، چه رسمی و چه غیر رسمی بنابر آمارهای رسمی اعلام شده توسط خود مراکز دولتی زیر خط فقر قرار دارند. در نتیجه بسیاری از معلمان رسمی برای جبران مشکلات معیشتی یا به کارهای دوم و سوم می پردازند یا علاوه بر بیست و چهار ساعت متعهد به انجام اضافه کاری در قالب فعالیت حق التدریسی می گیرند.

وی ادامه داد: "در طول هفت ماه گذشته، این معلمان رسمی هم فقط یک ماه از حق التدریس خود را دریافت کرده اند و همچنان با وجود وعده های مسوولان در ماه های گذشته، خبری از پرداخت اضافه کاریها نیست. واقعا جای تعجب و تاسف است که یک معلم برای جبران مشکلات معیشتی خود اضافه کار می گیرد، ولی شش ماه باید منتظر باشد تا دستمزد خود را دریافت کند."

خبر خوش فانی: امسال هم کسری بودجه خواهیم داشت

تسنیم، ۲۲ فروردین - علی اصغر با اشاره به اینکه برای سال ۹۵ درخواست ما اختصاص اعتبار ۳۷ هزار میلیارد تومانی بود گفت: "اما در لایحه دولت ۳۰،۷ میلیارد تومان اعتبار برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است و در سال ۹۵ نیز با کسری بودجه مواجه خواهیم بود."

فانی در پاسخ به این سوال که طبق قانون بودجه سال ۹۴ قرار بود تا شرکتهایی که مالیات پرداخت نمی کنند بخشی از درآمدهای خود را به آموزش و پرورش اختصاص دهند، آیا این موضوع محقق شد، عنوان کرد: "جلسات متعددی را با حضور آقای ابوترابی فرد، نایب رییس مجلس و اعضای سازمان مدیریت و برنامه ریزی برگزار کردیم، اما به جای ۱۷۰۰

میلیارد تومانی که در قانون لحاظ شده بود، فقط ۳۴ هزار میلیارد تومان جمع آوری شد و آن هم چون به پایان سال رسیدیم، نتوانستیم دریافت کنیم. مجلس به دنبال آن بود که به آموزش و پرورش کمک شود اما چیزی گیر ما نیامد." وی ادامه داد: بنده در سفرهای استانی با فرهنگیان و نمایندگان آنها دیدارهایی را انجام می دهم که مهمترین مشکلات مطرح شده پیرامون مسایل معیشتی است. فرهنگیان معتقدند که فاصله حقوقی آنها با برخی دستگاه ها زیاد است که این سخن آنها صحیح است، اما نباید انتظار داشته باشیم تمام این فاصله ها طی دو سال کم شود.

۵۶ درصد مدارس سیستان و بلوچستان تخریبی است

تسنیم، ۲۲ فروردین - مدیر کل نوسازی و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان گفت که پنجاه و شش درصد از مدارس این استان احتیاج به تخریب و بازسازی دارد.

علیرضا راشکی اضافه نمود: "از ۵۶ درصد مدارس که در استان احتیاج به تخریب و بازسازی دارند، ۳ درصد مدارس کاملا خشت و گلی و در حال ریزش هستند." وی با اشاره به اینکه هم اکنون تعداد ۵۷۶ کلاس قدیمی و خشت و گلی است که باید نسبت به نوسازی آنان اقدام کرد، گفت: "امسال ۱۸۰ کلاس خشت و گلی در دست تخریب و نوسازی است" وی اظهار امیدواری کرد سال ۹۶، سال برچیدن کلاسهای خشت و گلی در سیستان و بلوچستان باشد.



محکومیت فعال صنفی معلمان به زندان

خبرگزاری هرانا، ۲۶ فروردین - طاهر قادر زاده، عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، به اتهام "تبلیغ علیه نظام"، "راه انداختن تجمعات صنفی معلمان" و "تشویش اذهان عمومی" ب ۹۱ روز حبس تعزیری محکوم شد. پرونده وی چندی پیش به شعبه پنجم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان سقز ارجاع شده بود، این فعال صنفی معلمان در ماههای گذشته به علت فعالیتهای صنفی بارها برای بازجویی احضار شده است.

تشکل صنفی خواهان الغای حکم زندان علیه طاهر قادر زاده شد

حقوق معلم و کارگر، ۲۹ فروردین - شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در اعتراض به حکم صادره علیه طاهر قادرزاده، عضو انجمن صنفی فرهنگیان کردستان، در بیانیه ای خواهان لغو حکم وی و آزادی دیگر معلمان زندانی شد.

این تشکل در بیانیه خود تاکید می کند احکام صادره بر علیه معلمان را نقض آشکار حقوق فرهنگیان می داند و بر مبنای مفاد اساسنامه متبوع خود، ضمن دفاع از فعالیتهای صنفی معلمان، مصرانه خواهان پیگیری آزادی همه فعالان فرهنگی صنفی و الغای حکم زندان علیه آقای طاهر قادر زاده می باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور یادآور شده است: "مسئله احضار، بازداشت، تبعید و احکام ناروای این چنینی نه تنها خللی در اراده راسخ جامعه بزرگ فرهنگیان ایجاد نکرده، بلکه عزم جامعه فرهنگیان را جزم تر نموده تا هر چه بیشتر حقانیت و قانونی بودن خواسته های بر حق مطرح شده را به اثبات برسانند." این تشکل هشدار داده: "معلمان ایران با عزمی آهنین و استوار در برابر احکامی که فراتر از بنیانهای مبنای قانونی باشد، با اتکا به موازین قانونی و حقوق مدنی خواهند ایستاد و به شیوه های مقتضی، اعتراض خود را نشان خواهند داد."

تجمع آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس

خبرگزاری مجلس، ۲۹ فروردین - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به تبدیل نکردن وضعیت قرارداد خود مقابل مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار تبدیل وضعیت قراردادی خود شدند.

تجمع معلمان باز نشسته مقابل مجلس

اتحاد، ۳۰ فروردین - تعدادی از معلمان باز نشسته برای مطالبات صنفی خود مقابل مجلس تجمع اعتراضی بر گزار کردند. این تجمع که با تجمع کارگران باز نشسته فولاد اصفهان و کرمان همزمان بود یک جمعیت چند هزار نفری را در جلوی مجلس تشکیل داد. معلمان باز نشسته که از سکوت به نتیجه ای نرسیده بودند، امروز با فریاد شعارهایی: چون "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یه میلیون/ بیمه رایگان برای باز نشستگان/ بیمه رایگان حق مسلم ماست/ معیشت، منزلت حق مسلم ماست/ بی عدالتی چرا؟ عدالت، عدالت، سکوت را شکستند و این بار با فریاد خواستار مطالبات خود شدند.

تجمع مربیان حق التدریس آموزشکده های فنی و حرفه ای سراسر کشور

خبر آنلاین، ۳۱ فروردین - جمعی از مربیان حق التدریس آموزشکده های فنی و حرفه ای سراسر کشور در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت، مقابل مجلس تجمع کردند. این مربیان خواهان ارتقاء وضعیت شغلی خود هستند و برخی هم نسبت به عدم پرداخت به موقع حقوق خود بارها اعتراض کرده اند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

رنجنامه دلارام اکبری، دانشجوی محروم از تحصیل بهایی

دلارام اکبری، شهروند بهایی ساکن ساری و دانشجوی دانشگاه قدسیه این شهر در رشته نرم افزار کامپیوتر، پس از پشت سر گذاشتن ترم اول تحصیلش در این دانشگاه، در تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۹۴ اخراج گردید. دلارام که علاوه بر محروم شدن از تحصیل به دلیل باورهای دینی اش و پیوستن به خیل عظیم دانشجویان محروم از تحصیل بهایی در ایران، شاهد بوده که چطور حقوق اولیه سایر اعضای خانواده اش نیز به همین دلیل مشترک نقض شده، با نگارش رنجنامه ای، وجدانهای بیدار را به پرسش گرفته است. او از جمله می گوید که پس از اخراج از



دانشگاه، مدارک تحصیلی و شهریه ای که پرداخت کرده نیز توقیف شده است و مسوولان دانشگاه و اطلاعات از پس دادن آنها خودداری می کنند.

دلارام اکبری می نویسد: "به همانجایی که با تو تماس تلفنی گرفتند برو!" این جمله برای من یعنی محرومیت از حق تحصیلات عالی! یعنی اینکه مسوولان ستاد خبری اداره اطلاعات ساری نمی خواهند بنده به عنوان یک شهروند بهایی درس بخوانم. با خودم می اندیشم که چرا باید از تحصیل محروم شوم؟ یک بهایی بی سواد بهتر می تواند برای ایران مفید باشد یا یک بهایی تحصیلکرده؟ یا چرا در دانشگاه میان چند صد دانشجو، چنین مشکلاتی در راه کسب علم و دانش فقط برای من رخ می دهد؟ در نهایت به این نتیجه می رسم که من اولین نفری نیستم که به خاطر دینم از حق تحصیل بازمانده ام و شاید آخرین نفر هم نباشم!

همین امسال، مغازه پدرم در ساری در دو مرحله به مدت ۳۶ روز و ۶ ماه پلمپ گردیده و مادرم پس از گذشت ۷ سال کار در بیمارستان، به دلیل اعتقاد قلبی خود به آیین بهایی از کارش اخراج شد. " (هرانا، ۳ فروردین)

تجمع دانشجویان مرکز آموزش عالی گناباد در مقابل فرمانداری



حدود ۵۰ دانشجوی مرکز آموزش عالی گناباد با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر، خواستار رسیدگی به وضعیت تحصیلی خود شدند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: "در دفترچه تکمیل ظرفیت سازمان سنجش، رشته ای با کد "۹۴۰۷" و عنوان مهندسی کامپیوتر دانشگاه فردوسی مشهد واحد گناباد وجود داشت و ما دانشجویان که اغلب در دانشگاههای معتبر نیز پذیرفته شده بودیم، به دلیل این که کد مذکور متعلق به دانشگاه فردوسی بود، برای ادامه تحصیل و گرفتن مدرک از دانشگاه فردوسی تغییر وضعیت دادیم تا رشته مهندسی کامپیوتر را در شهر گناباد بخوانیم و از دانشگاه فردوسی مدرک معتبر اخذ کنیم."

امیدی افزود: "بعد از قبولی در این رشته و مراجعه به شهر گناباد متوجه شدیم که دانشگاه به "مرکز آموزش عالی" تبدیل شده و هیچ رابطه ای با دانشگاه فردوسی ندارد. در واقع یک مدرسه به مرکز آموزش عالی تبدیل شده و به این ترتیب با سرنوشت خیلی از دانشجویان و جوانان مشتاق به تحصیل بازی شده است."

در این میان معاون فرماندار گناباد این تجمع را غیرقانونی دانست و گفت: "دانشجویان باید یک نفر را به عنوان نماینده به فرمانداری معرفی می کردند تا مشکلات و مسایل مربوط را مطرح کند و در صورت پاسخگو نبودن مسوولان اقدام به تجمع می کردند." سیدجواد محمدی افزود: "به هر حال با حضور شخص فرماندار و تشکیل جلسه در سالن اجتماعات فرمانداری، دانشجویان خواسته های خود را مطرح کرده اند. قرار است از طریق فرمانداری موضوع پیگیری شود و نتیجه آن ظرف چند روز آینده به اطلاع دانشجویان برسد." (خراسان، ۱۷ فروردین)

اعتراضات شبانه در خوابگاههای دانشگاه تهران



رییس و معاونان دانشگاه تهران شب گذشته در مراسمی تحت عنوان دید و بازدید نوروزی در خوابگاههای دانشگاه حضور پیدا کردند که این مساله با اعتراض تعدادی از دانشجویان به مشکلات موجود روبرو شد.

دانشجویان که از وضعیت رفاهی، صنفی و آموزشی موجود رضایت نداشتند و به گفته خودشان بر اساس این اعتراضات به کمیته انضباطی

احضار می شوند، شب گذشته در کوی دانشگاه (پسران) و کوی چمران (دختران) با در دست گرفتن پلاکاردهایی، مراتب اعتراض خود را به مسوولان دانشگاه تهران ابراز داشتند.

در پلاکاردهای دانشجویان معترض شعارهایی نوشته شده بود که چندی از آنها عبارتند از:

۱- احضار گسترده دانشجویان به کمیته انضباطی ممنوع است

۲- خوابگاه چمران در خطر واگذاری به بخش خصوصی

۳- پولی شدن آموزش را متوقف کنید

۴- دانشگاه پادگان نیست

۵- خوابگاههای ما فاقد امکانات بهداشتی است

۶- ما خواهان نظارت بر تمامی طرح ها و بودجه های دانشگاه هستیم

۷- دانشگاه محل کار بانکداران و سرمایه داران نیست

دانشجویان همچنین در پایان این اعتراض بیانیه ای خطاب به رییس دانشگاه تهران نوشتند که مهمترین بخشهای آن را در ادامه می خوانید:

* با تمام مشکلات دانشجویان، در روزهای اخیر اعلامیه ای مبنی بر مراسم دید و بازدید نوروز ۱۳۹۵ و دیدار رییس و هیات ریسه دانشگاه تهران با دانشجویان در سطح خوابگاه ها نصب شده است. بهتر است هیات ریسه دانشگاه تهران به جای برگزاری مراسم نمایشی این چنینی به سوالهای مسکوت مانده دانشجویان پاسخ دهند.

* چگونه توقع دارید که به دیدار شما بیایم در حالیکه هنوز یک ماه از احضار فله ای دانشجویان به کمیته انضباطی گذشته است؟

* چگونه در سالن جشن شما حضور بهم رسانیم، هنگامی که دانشجویان فعال فرهنگی از فعالیت مستقل محروم هستند و سالی برای تمرین و اجرا نصیب شان نمی شود؟

* هنگامی که تبعیضات بین دانشجویان دختر و پسر همچنان ادامه دارد، چگونه می توانیم دوشادوش هم در مراسم جشن شما شرکت کنیم؟

* هنگامی که پیشرویهایتان در پولی سازی دانشگاه و کالایی سازی آموزش بار مشاغل سطح پایین را علاوه بر بار کج آموزش نادرست، بر گرده ما گذاشته، چگونه به قامت راست و لبخند شما بنگریم و تبریک بگوییم؟

* زمانی که از ابتدایی ترین حقوق خود در خوابگاهها که محیط زندگی مان است برخوردار نیستیم و روز به روز با افزایش هزینه های اسکان و تغذیه فشار بیشتری بر ما وارد می کنید و چنانکه می بینیم هر سال به تعداد خوابگاههای خصوصی اضافه می کنید، چگونه از ما توقع دارید عید را به شما تبریک بگوییم و با شما همراه شویم؟ (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۷ فروردین)

سردرگمی دانشجویان از قیمتهای سرسام آور کتاب و یارانه ۴۰ هزار تومانی



در حالی که کمتر از یک ماه به برگزاری بیست و نهمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران باقیست، یکی از دغدغه های اصلی دانشجویان، تهیه کتابهایی است که قیمت بالایی دارند و احتمالاً در نمایشگاه با تخفیف عرضه می شوند. بن دانشجویی کتاب هم حکایت جداگانه ای از تراژدی قیمتهای سرسام آوری است که با این اقدامات مُسکَن گونه دردش دوا نمی شود.

کافی است دانشجوی پزشکی باشید و برای خرید به بازار بروید تا با خرید دو یا سه کتاب مهم این رشته که احتمالاً ملزومات یک ترم

دانشجوی این رشته را کفاف می دهد، متوجه شوید که باید نیم میلیون تومان هزینه کنید. با چنین هزینه ای، مساعده ۴۰ هزار تومانی خرید کتاب وزارت ارشاد که به دانشجویان برای خرید در نمایشگاه کتاب داده می شود، کمک زیادی به آنها نخواهد کرد.

روز گذشته نیز خبری مبنی بر افزایش میزان بن خرید کتاب به ۱۰۰ هزار تومان منتشر شد، اما ظاهراً سهم ۴۰ هزار تومانی وزارت ارشاد تغییری نکرده و دانشجویان برای تهیه بن کتاب به جای ۴۰ هزار تومان باید ۶۰ هزار تومان پرداخت کنند، در حالی که تا سال گذشته ۴۰ هزار تومان دانشجو و ۴۰ هزار تومان نیز وزارت ارشاد هزینه می کرد تا یک بن ۸۰ هزار تومانی تحویل دانشجو شود.

به نظر می رسد افزایش میزان بن خرید کتاب دانشجویی به ۱۰۰ هزار تومان، پز جدید دولت است که دارد از جیب دانشجو داده می شود؛ افزایش ۲۰ هزار تومانی مبلغ بن کارت دانشجویی در حالی صورت گرفته است که تمام این افزایش از جیب دانشجو است و سهم وزارت ارشاد همان ۴۰ هزار تومان سال گذشته است.

با این حال اما سایت نمایشگاه کتاب همچنان مبلغ بن دانشجویی را همان ۸۰ هزار تومان سال گذشته اعلام کرده است که با اظهارات روز گذشته همایون امیرزاده، مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مبنی بر افزایش مبلغ بن کارت از ۸۰ به ۱۰۰ هزار تومان تناقض دارد. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۸ فروردین)

مجبوریم یک اتاق را به ۱۰ دانشجو دهیم



رئیس دانشکده فنی امیرکبیر اراک گفت: "تقریباً ۹۰۰ دانشجوی غیربومی در این دانشکده مشغول به تحصیل هستند که نیازمند خوابگاه‌ها و این در حالی است که به دلیل کمبود خوابگاه مجبور می‌شویم یک اتاق را به ۱۰ دانشجو بدهیم که این رقم بیش از ظرفیت یک اتاق است." دکتر علی محمدنظری افزود: "با وجود اینکه در سال ۹۴ توانستیم تمام خوابگاه‌های دانشکده فنی حرفه ای امیرکبیر را تعمیر کنیم، اما تعداد خوابگاه‌های ما کم است و دولت اجازه ساخت به ما نمی‌دهد. مسوولان از ما درخواست می‌کنند که برای رفع مشکل کمبود خوابگاه از خیرین کمک

گیریم، اما با وجود تلاشها و پیگیریها موفق به یافتن خیر برای این کار نشدیم."

نظری بیان کرد: "حتی در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه اراک در این باره صحبت کرده و این نیاز را به گوش همگان رساندم، اما دریغ از مراجعه و تماس یک خیر!" رئیس دانشکده فنی حرفه ای امیرکبیر گفت: "در صورت تامین خوابگاه مورد نیاز، دانشجویان غیربومی مجبور نخواهند شد در خارج از خوابگاه با صرف هزینه های بالا ساکن شوند که البته اینگونه سکونت برای آنها و خانواده ها نگرانیهایی را هم به دنبال دارد."

وی با بیان اینکه خوابگاه خصوصی برای دانشجویان تمام می‌شود، افزود: "تنها یک خوابگاه داخل دانشگاه وجود دارد و ناگزیریم مابقی دانشجویان را به خوابگاه بیرون بفرستیم که ظرفیت ۸۰ دانشجو را دارد. خوابگاه خودمان نیز دارای ظرفیت ۲۵۰ نفر است و بقیه مجبورند در خانه های اجاره ای ساکن شوند." (ایسنا، ۲۰ فروردین)

تجمع اعتراضی دانشجویان تربیت معلم یاسوج

دانشجویان ورودی ۹۳ و ۹۴ تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان یاسوج با تجمع در مقابل اداره کل آموزش و پرورش نسبت به عدم پرداخت مطالبات خود اعتراض کرده و از مسوولان مربوطه خواستند که نسبت به پرداخت این مطالبات اقدام کنند. یکی از دانشجویان گفت، آنها حقوق خود را ۱۴ ماه دریافت نکرده اند و با این وجود آموزش و پرورش در نظر دارد هزینه خوابگاه را از حقوق فعلی آنها کم کند و مطالبات گذشته را نیز پرداخت نکند.

برخی از مسوولان با حضور در میان دانشجویان و راهنمایی آنها به داخل سالن جلسات و همایشهای اداره کل آموزش و پرورش، به این تجمع اعتراضی پایان دادند. (تابناک، ۲۳ فروردین)



اعتصاب غذایی دانشجویان دانشگاه بین المللی قزوین

جمعی از دانشجویان دانشگاه بین المللی قزوین در اعتراض به آنچه که آنها کیفیت پایین غذا عنوان کردند، تجمع کردند.

در این تجمع که به گفته یکی از دانشجویان، ۲۰۰ تن حضور داشتند، دانشجویان خواستار بهبود غذای سلف شدند.

یکی از دانشجویان تجمع کننده گفت: "اعتراض ما به کیفیت پایین

غذا قبلا توسط انجمن صنفی دانشجویان به مسوولان رفاهی رسیده بود، اما عدم رسیدگی باعث این تجمع شد."

گفتنی است تجمع دانشجویان پس از یکساعت و خواندن بیانیه به پایان رسید. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۲۹ فروردین)

برخی از حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۵

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۰۳ حرکت اعتراضی

*صبح روز سه شنبه ۱۰ فروردین، جمعی از کشاورزان شهر اصفهان در اعتراض به باز نشدن آب رودخانه زاینده‌رود و عمل نشدن به وعده‌های مسئولان در این زمینه، مقابل فرمانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، پیش از این قرار بود که آب سوم کشت بهاره کشاورزان اصفهانی از ۱۰ فروردین باز شود.



*صبح روز شنبه ۱۴ فروردین، کارگران کارخانه نساجی مازندران در اعتراض به شرایط جدیدی که کارفرمای این واحد نساجی برای اشتغال آنها در نظر گرفته، مقابل ساختمان فرمانداری قائم شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بر اساس بخشنامه‌ای که به تازگی از سوی کارفرما منتشر شده است تمامی کارگرانی که از این پس در نساجی

مازندران مشغول به کار می‌شوند باید علاوه بر داشتن گواهی عدم سوء پیشینه و اعتیاد، به کارفرما سفته و تعهد کتبی نیز ارائه کنند.

*روز شنبه ۱۴ فروردین، کارگران اخراجی کارخانه کاشی و سرامیک ایفا سرام در اعتراض به بیکارشدن دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر اردکان زدند. به گزارش اردکان گویا، کارگران معترض با بیان اینکه کارخانه‌ای که شش سال است برپا شده و از اول ما در آن کار کرده ایم، حالا اخراج مان کرده و بهانه تراشی می‌کنند. کارخانه کاشی و سرامیک ایفا سرام در استان یزد و در کیلومتر ۲۰ اردکان نایین واقع شده است.

*صبح روز یکشنبه ۱۵ فروردین، کارگران شرکتهای مبین، اولنگ و چاه فیروزه در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق دست به اعتصاب و تجمع مقابل مجتمع میدوک شهر بابک زدند. به گزارش بابک خبر، این تجمع اولین اعتصاب کارگری در سال آغاز سال ۹۵ است.

*روز یکشنبه ۱۵ فروردین، تعدادی از کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله به دلیل عدم پرداخت بیمه، حقوق و عیدی روبروی درب شورای شهر کوت عبدالله تجمع کردند. به گزارش کارون نیوز، روز ۱۲ فروردین یکی از کارگران فضای سبز در محل کار خود بر اثر حادثه‌ای پای او شکست و به دلیل نداشتن بیمه هیچ کس تقبل هزینه‌های درمانی آن را نکرد.

*روز یکشنبه ۱۵ فروردین، کارگران یکی از شرکتهای مرغداری آمل برای دریافت مطالبات معوقه خود مقابل فرمانداری این شهرس تجمع کردند. به گزارش کرات آملی، این کارگران به دلیل عدم دریافت حقوق و مزایای چندین ماه تجمع کرده و خواستار احقاق حقوق خود شدند.

*روز شنبه ۱۴ فروردین، صدها تن از رانندگان تاکسی برای جندمین روز متوالی مقابل شرکت تاکسیرانی در خیابان ملک تجمع کردند. به گزارش شرق، این رانندگان که از چند ماه جلوتر حق بیمه خود را پرداخت کرده اند متوجه شده اند نه بیمه ای در کار بوده و نه پولشان برمی گردد و حالا که همه چیز لو رفته و مالکان شرکت کارگزاری بیمه غیب شان زده، رانندگان مانده اند و چند ماه کار بدون بیمه و کسی نیست پاسخ آنها را دهد. این رانندگان تاکسی که حداقل دو هزار نفرشان از این شرکت کارگزاری بیمه برای پرداخت حق بیمه از سوی تاکسیرانی معرفی شده بودند از چند روز اول سال جدید مقابل این شرکت که گویا در چند روز تعطیل اول سال تخلیه شده است، تجمع می کنند.

*روز شنبه ۱۴ فروردین، تعدادی از رانندگان تاکسی بی سیم در خمینی شهر به نشانه اعتراض دست از کار کشیده و خواستار توجه به مشکلات شان شدند. به گزارش فارس، رانندگان تاکسی بی سیم عدم برخورد مناسب مسئولان و متولیان امر و همچنین نبود مدیریت واحد بر این صنف را دلیل تجمع اعتراضی خود بیان کردند.

*روز دوشنبه ۱۶ فروردین، اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه لاستیک خوزستان سومین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش ایرنا، تغییر قرارداد کارگران از یک ساله به قراردادهای ۴۵ روزه، یک ماهه و بعضا ۱۵ روزه، عدم پرداخت حقوق سه ماهه آخر سال ۹۴ و عیدی کارگران دلیل این حرکت اعتراضی است. کارگران در روز دوم مقابل ساختمان فرمانداری گتوند و در روز سوم مقابل کارخانه تجمع کرده و اجازه ورود و خروج به داخل کارخانه را نمی دادند.

*روز دوشنبه ۱۶ فروردین، تعدادی از کارگران واگن سازی پلور سبز زرنند که با آغاز سال جاری از کار اخراج شده اند، در اعتراض به اخراج شان و برای بازگشت به کار دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش صدای زرنند، مدیر کارخانه واگن سازی گفت: بدهیها که شرکتها و مشتریها به کارخانه واگن سازی دارند مبلغ بالایی است و متاسفانه به دلیل به وجود آمدن بحرانهای مالی و عدم وصول مطالبات کارخانه ما مجبور به تعدیل حدود ۳۹ نیرو از این کارخانه شده ایم.

*روز یکشنبه ۱۵ فروردین، حدود ۸۰۰ تن از کارگران پیمانکاری معادن مس شهربابک در اعتراض به شرایط نابرابر مزدی که میان آنها و دیگر همکاران شان وجود دارد، مقابل درب ورودی مجتمع میدوک تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران گفت: ما کارگران شرکتهای معادن مس «میدوک» و «چاه فیروزه» شهربابک استان کرمان هستیم نسبت به عمل نکردن مسئولان به وعده های داده شده مبنی بر همسان سازی حقوق و مزایای کارگران قرارداد موقت با دیگر کارگران تابع قرارداد موسوم به «۲۴۳۰» مقابل درب ورودی مجتمع تجمع کردیم.

*روز شنبه ۱۴ فروردین، صدها تن از رانندگان تاکسی برای جندمین روز متوالی مقابل شرکت تاکسیرانی در خیابان ملک تجمع کردند. به گزارش شرق، این رانندگان که از چند ماه جلوتر حق بیمه خود را پرداخت کرده اند متوجه شده اند نه بیمه ای در کار بوده و نه پولشان برمی گردد و حالا که همه چیز لو رفته و مالکان شرکت کارگزاری بیمه غیب شان زده، رانندگان مانده اند و چند ماه کار بدون بیمه و کسی نیست پاسخ آنها را دهد. این رانندگان تاکسی که حداقل دو هزار نفرشان از این شرکت کارگزاری بیمه برای پرداخت حق بیمه از سوی تاکسیرانی معرفی شده بودند از چند روز اول سال جدید مقابل این شرکت که گویا در چند روز تعطیل اول سال تخلیه شده است، تجمع می کردند. این تجمع در روز دوشنبه ۱۶ فروردین برای چهارمین روز ادامه پیدا کرد. به گزارش ایسنا، رضا قاضی، معاون برنامه ریزی تاکسیرانی شهرداری تهران در واکنش به تجمع چند روز اخیر رانندگان تاکسی گفت: این شرکت که نام شرکت تعاونی تاکسیرانان را یدک می کشد، هیچ ارتباطی با سازمان تاکسیرانی شهرداری تهران ندارد و از سال گذشته نیز شهرداری تهران طی

مکاتبات گسترده با وزارت تعاون نسبت به استفاده از نام تاکسیرانی و شباهت آرم این شرکت تعاونی با سازمان تاکسیرانی مراتب اعتراض خود را اعلام کرده است.

*روز چهارشنبه ۱۱ فروردین، کارگران اخراجی سیمان آرتا اردبیل به همراه خانواده های شان و تمامی اهالی روستای گرده، از توابع یخش مرکزی شهرستان نمین، از جوانان تا زنان و مردان کهنسال دست به تجمع مقابل باسکول کارخانه زدند. به گزارش ایلنا، این دومین تجمع اعتراضی اهالی این روستا است. این تجمعات در اعتراض به *مدیریت شرکت آرتا سیمان اردبیل نسبت به اخراج تعدادی از کارگران ساکن روستا و جذب حدود ۳۰ کارگر جدید خارج از منطقه در این کارخانه است.

روز یکشنبه ۱۵ فروردین، سومین تجمع کارگران اخراجی سیمان آرتا اردبیل با همراهی اهالی روستای گرده مقابل کارخانه انجام شد. روز دوشنبه ۱۶ فروردین، در ادامه تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه سیمان آرتا اردبیل به همراه خانواده هایشان، جلسه مسئولان شهرستان نمین و کارخانه سیمان اردبیل با معتمدان، شوراها و نمایندگان مردم روستای گرده برگزار شده و مشکلات و خواسته های اهالی روستا مورد بررسی قرار گرفت. در این روز فرماندار نمین گفت: در صورت تجمع مجدد در کارخانه سیمان و هرگونه اقدام مخل جامعه با عوامل آنها برخورد خواهد شد.

*روز دوشنبه ۱۶ فروردین، تعدادی از کارگر کارخانه چینی و بهداشتی صدف وابسته به شرکت تهیه و توزیع خاک نسوز استقلال آباده که از کار اخراج شده اند، مقابل شهرداری آباده تجمع کردند. به گزارش آباده نما، کارگران معترض خواهان بازگشت به کار شدند

*روز سه شنبه ۱۷ فروردین، تعدادی از کارگران نی بر مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به تاخیر افتادن بخشی از مطالبات مزدی خود مانند مزد اسفند ماه سال ۹۴ و عیدی سال ۹۵ برای دومین روز در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته یکی از کارگران این واحد این مطالبات جدا از بحث نگرانیهایی است که این روزها در میان آنها از بابت تصمیم دولت برای خصوصی سازی مجموعه هفت تپه گرفته شده است.

*روز سه شنبه ۱۷ فروردین، رانندگان شرکت سامان سیر مشهد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان برای سومین روز دست به اعتصاب و مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش جوان این حرکت اعتراضی در روز یکشنبه ۱۵ فروردین شروع شد. به گزارش شهر آرا، یکی از رانندگان اتوبوس شرکت سامان سیر رضوی گفت؛ مشکلات ما بسیار است اما بحث اعتصاب ما موضوع عدم پرداخت حق و حقوق ما بوده است، چرا که حقوق اسفند خود را دریافت نکردیم و تنها روز اول سال نو برای ما ۷۰۰ هزار تومان واریز کردند.

*روز سه شنبه ۱۷ فروردین، کارگران کارخانه ایستک سنندج به دلیل برکنار شدن از کار و عدم تمدید قراردادهای شان برای سال ۹۵، برای چندمین روز دست به تجمع اعتراضی مقابل استانداری کردستان زدند. به گزارش کردپرس، یکی از کارگران معترض اظهار داشت: ما به همراه کارگران برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه به اداره کار و استانداری مراجعه کردیم که مسئولان چاره اندیشی کنند تا از تعطیلی آن جلوگیری شود و امیدواریم به خاطر توسعه استان و اشتغال مجدد این کارگران در این راستا همکاری کنند.

*به گزارش جوان، روز سه شنبه اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری سوسنگرد در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق، ۷ ماه حق بیمه و عیدی در مقابل شهرداری این شهر هفتمین روز خود را پشت سر گذاشت.

*روز چهارشنبه ۱۸ فروردین، جمعی از کارکنان آتش نشانی کلانشهر اراک با حضور در مقابل ساختمان شورای اسلامی این شهر خواستار رسیدگی به مشکلات شان شدند. به گزارش ایرنا، آتش نشانان معترض خواستار رفع تبعیضات پرسنلی و برقراری عدالت از سوی مسئولان امر شدند.

*روز چهارشنبه ۱۸ فروردین، مردم روستای رشید آباد، مسیر دیواندره به سقز را مسدود کردند. به گزارش بارانی خبر، هرساله تعداد زیادی تصادف در این مسیر به دلیل نبود زیرگذر رخ می‌دهد. مردم روستای رشید آباد که در ۴ کیلومتری دیواندره به طرف سقز و در مسیر اصلی واقع شده است در سالهای اخیر شاهد حوادث ناگواری در این مسیر بوده اند.

*روز پنجشنبه ۱۹ فروردین، تعدادی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به عملی نشدن وعده پرداخت حق پاداش و بهره برداری خود، در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع اعتراضی با مشارکت کارگران بخشهای مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه برپا شد. به گفته کارگران، این واحد تولید کننده شکر در بازار رقابت از فروش خوبی برخوردار است، با این حال وضعیت مطالبات معوقه آنها همچنان پرداخت نشده باقیمانده است.

*روز پنجشنبه ۱۹ فروردین، صدها تن از کارگران اخراجی کارخانه نساجی بروجرد در اعتراض به تمدید شدن قرارداد کاری برای چندمین بار مقابل کارخانه نساجی تجمع کردند. به گزارش بازتاب بروجرد، از ابتدای سال ۹۵ قرارداد ۵۰۰ کارگر نساجی بروجرد تمدید نشد و این اولین خبر تلخ برای سال جدید کارگران نساجی بروجرد بود. بیکاری کارگران و عدم تمدید قرارداد و یا اخراج کارگران قصه تکراری شده که در این میان تنها کارگران و خانواده های آنها هستند که بیشترین رنج را تحمل می کنند.

*از صبح روز آدینه ۲۰ فروردین، جمعی از رانندگان سیرجانی که از معدن گل گهر بارگیری می کردند در حرکتی اعتراضی نسبت به کاهش کرایه بار دست به اعتصاب زدند. به گزارش سیرجان خبر، رانندگان در پی این اعتراض جاده منتهی به مجتمع صنعتی معدنی گل گهر را بستند و تعدادی لاستیک خودروی تریلر را در مسیر عبور و مرور به آتش کشیدند، همچنین سایر رانندگان نیز با مشاهده این اعتصاب، خودروی خود را متوقف کرده و به جمع اعتصاب کنندگان پیوستند.

*صبح روز پنجشنبه ۱۹ فروردین، کارگران کارخانه گونی بافی گوهر واقع در شهرک صنعتی امیرکبیر کاشان برای دومین روز متوالی اعتصاب کردند. به گزارش همبستگی ملی، به گفته یکی از کارگران، تا زمانی که به خواسته آنها رسیدگی نشود و معوقات آنها پیگیری نگردد، اعتراض آنها ادامه خواهد داشت.

*روز آدینه ۲۰ فروردین، اهالی شهر هرنند در اعتراض به مانع بتنی در سه راهی هرنند- کوهپایه در محل میدان سردار آقابابایی هرنندی تجمع و خواستار رسیدگی به مشکل خود شدند. به گزارش اصفهان شرق، در این اجتماع، مردم خواستار رسیدگی کارشناسانه به این موضوع شدند.

*بامداد روز شنبه ۲۱ فروردین، تعدادی از کارکنان پیمانکاری شاغل در پروژه های فاز ۱۹ عسلویه به دلیل معوقات مزدی خود در محل ورودی این فاز تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا، به گفته کارگران، شرکت مادر بدون توجه به خواسته کارگران از افراد قوی هیکل برای پراکنده ساختن این کارگران روی آورد.

*روز شنبه ۲۱ فروردین، به دنبال اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه واگن سازی زرند با مشارکت خانواده آنان، قراردادشان برای ۳ ماه تمدید شد. به گزارش صدای زرند، مدیران کارخانه واگن سازی زرند در هفته های گذشته ۳۹ کارگر از این کارخانه را اخراج کردند که این موضوع سبب اعتصاب و تجمع کارگران و خانواده های آنان جلوی درب ورودی این کارخانه شد.

*روز شنبه ۲۱ فروردین، کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی، عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و عیدی بار دیگر در محوطه این مجتمع صنعتی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این اجتماع اعتراضی دست کم حدود ۷۰۰ تن از کارگران حضور داشتند. کارگران معترض که از بخشهای مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه آمده بودند علاوه بر پیگیری معوقات مزدی پرداخت نشده، بار دیگر نگرانی خود را از واگذاری مدیریت و مالکیت مجتمع نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی اعلام کردند.

*روز شنبه ۲۱ فروردین، کارگران اخراجی کارخانه کمباین سازی اراک برای چندمین بار مقابل کارخانه تجمع کردند تا وضعیت اخراج آنها مشخص شود. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران اخراجی این کارخانه گفت: اواخر سال گذشته وام ۱۸ میلیارد تومانی به کارخانه پرداخت شد، اما حدود ۶۰ کارگر به کارخانه بازگشتند و عملاً مابقی اخراج شدگان با وعده های بی عمل هم چنان درگیر و دار تعیین تکلیف برای بازگشت به کار هستند.

*روز شنبه ۲۱ فروردین، جمعی از کارگران یک واحد تولیدی گنبد کاووس مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، نماینده کارگران معترض پرداخت نکردن سه ماه حقوق، عیدی و پاداش آخر سال و نیز واریز نکردن پنج ماه حق بیمه کارگران از سوی کارفرمای یک شرکت تولیدی را مشکل معترضان اعلام کرد.

*روز شنبه ۲۱ فروردین، گروهی از هنرمندان، اساتید دانشگاه و دانشجویان رشته هنر در اعتراض به واگذاری این موزه به بخش خصوصی، مقابل موزه هنرهای معاصر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، روی برخی پلاکاردهایی که در دست معترضان دیده می شد، جمله هایی مانند «گنجینه ملی را واگذار نکنید»، «سرمایه ملی را واگذار نکنید» و... نوشته شده بود.

*صبح روز شنبه ۲۱ فروردین، اهالی شیخ آباد به نشانه اعتراض نسبت به انباشته شدن زباله ها در مقابل شهرداری زابل تجمع کردند. به گزارش اوشیدا، یکی از شهروندان که در این تجمع حضور داشت گفت: متاسفانه ماشینهای حمل زباله، زباله جمع آوری شده از سطح شهر را در شیخ آباد تخلیه می کنند که دپو زباله در این محل باعث انتشار بوی نامطبوع شده است.

*روز یکشنبه ۲۲ فروردین، کارگران اخراجی خشمگین نساجی بروجرد پس از تجمع اعتراضی مقابل اداره کار در اقدامی خشمگینانه دست به شکستن شیشه ها و ممانعت از ورود دیگر کارگران به کارخانه زده و با ورود به این واحد تولیدی و با خاموش کردن تمامی ماشین آلات، خطوط تولید را متوقف کردند. به گزارش تسنیم، با اوج گرفتن بی خبری کارگران از سرنوشت مبهم خود برای ادامه امرار و معاش و فعالیت کاری، کارگران اخراج شده خواستار استیفای حق خود و بازگشت به کار شدند.

*روز چهارشنبه ۱۸ فروردین، کارگران مجتمع مس میدوک برای دومین بار در استادیوم ورزشی دست به تجمع زدند. به گزارش آرمان کرمان، یکی از کارگران معترض درباره این تجمع گفت: هم اکنون دو باره در استادیوم ورزشی متحصن

شده ایم اما هیچ کدام از مسئولان برای پاسخگویی حاضر نشده اند. عصر روز یکشنبه ۲۲ فروردین، کارگران پیمانکاری مجتمع مس میدوک به دنبال وعده رسیدگی خواسته های شان از جانب کارفرما به اعتصاب شان خاتمه داده و به سرکارشان بازگشتند.

*روز چهارشنبه ۱۸ فروردین، تعدادی از کارگران کارخانه پارسیلون خرم‌آباد در محل استانداری لرستان برای سومین روز متوالی تجمع کردند. به گزارش سفیر افلاک، یکی از کارگران کارخانه پارسیلون خرم‌آباد گفت: پارسیلون خرم‌آباد کارخانه مادر و بزرگترین کارخانه خاورمیانه است و از زمانی که آن را به بخش خصوصی واگذار کردند نابود شد. وی افزود: مسبب اصلی این مشکلات دولت است که وقتی این کارخانه زیان دهی داشته چرا به بخش خصوصی واگذار شده است؟

*روز دوشنبه ۲۳ فروردین، تعدادی از کارگزاران بیمه کشاورزی از سراسر کشور در اعتراض به وضعیت استخدامی شان، شرایط نامساعد شغلی و بیمه ای و احتمال اخراج گسترده در ماههای آینده، مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش موج، یکی از این تجمع کنندگان با بیان این که کارگزاران بیمه کشاورزی در کشور حدود چهار هزار نفر هستند که با مشکلات زیادی رو به رو شده اند، گفت: بیمه کشاورزی، تحت پوشش بانک کشاورزی است اما متاسفانه این بانک ما را بیمه نمی کند و به وضعیت استخدامی کارگزاران بیمه کشاورزی رسیدگی نمی کند.

*روز دوشنبه ۲۳ فروردین، جمعی از کامیون داران به نشانه اعتراض در پایانه بار یزد تجمع کردند. به گزارش جوان، اعتراض اصلی معترضان، نحوه توزیع بار اعلام شد.

*روز دوشنبه ۲۳ فروردین، کارگران کشت و صنعت مهاباد برای احقاق حقوق خود برای چندمین بار جلوی درب فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش مکریان، یکی از کارگرانی که در این تجمع شرکت کرده بود از بی توجهی مسئولان به حق و حقوق کارگران این مجموعه گلایه کرد و افزود: متاسفانه علی رغم صراحت قانون در خصوص ممتاز بودن دیون مربوط به کارگران اما متاسفانه تاکنون جدیتی برای پیگیری و احقاق حقوق کارگران کشت و صنعت از سوی مسئولان شهرستان دیده نشده است.

*صبح روز سه شنبه ۲۴ فروردین، جمعی از کارگران معدن زغال سنگ پرورده طبس، به دلیل پرداخت نشدن بخشی از مطالبات مزدی خود و همچنین در اعتراض به نوع قرار داد کار، مقابل این واحد معدنی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که به واسطه شرکت پیمانکاری «الماس مته» به کار استخراج زغال سنگ در منطقه معدنی پرورده طبس اشتغال دارند، علاوه بر تعویق حدود سه ماه دستمزد به نوع قرار داد کاری که کارفرما در سال جاری با آنان منعقد کرده است معترضند.

*روز سه شنبه ۲۴ فروردین، جمعی از مالباختگان بنیاد تعاون ناجا در اعتراض به عدم تحویل به موقع واحدهای تجاری و مسکونی خود از سوی این تعاونی مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، این افراد با در دست داشتن پلاکاردهایی نسبت به عدم تحویل به موقع واحدهای خود معترض بوده و خواهان رسیدگی به مشکل شان شدند.

*روز آدینه ۲۰ فروردین، بیش از ۳ هزار راننده کامیون و تریلر در پایانه باربری بندرعباس به نحوه توزیع بار و ضعف در نظارت و ارائه خدمات در این مرکز برای چهارمین روز متوالی تجمع کردند. به گزارش تسنیم، رانندگان معترض با اشاره به توقف بیش از ۲۶ روز در محل پایانه بار بندرعباس، بیشترین اعتراض را به نحوه توزیع بار داشتند و با بیان اینکه در طول



ایام انتظار متحمل هزینه‌های گزافی شده اند اظهار داشتند: بارها شاهد اعلام بار توسط متصدیان پایانه بار بوده اند اما لیست اعلام شده با تعداد خودرو هایی که بار دریافت کرده و از استان خارج می‌شوند همخوانی ندارد.

روز یکشنبه ۲۲ فروردین، پس از گذشت ۵ روز، دستگاه‌های نظارتی آمادگی خود را برای پاسخگویی به رانندگان معترض در پایانه باربری بندعباس، ابراز کردند.



*روز چهارشنبه ۲۵ فروردین، جمعی از کارکنان اداره کل ارشاد گلستان در اعتراض به عدم دریافت خدمات از بیمه آرمان برای اعتراض و روشن تر شدن موضوع در دفتر این بیمه در گرگان تجمع کردند. به گزارش گلستان ما، یکی از کارمندان این اداره کل می‌گوید به ازای هر نفر مبلغ ۲۶ هزار تومان ماهانه هزینه بیمه تکمیلی از حقوق کارمندان برداشت می‌شود ولی چند ماهی است که خدماتی به کارمندان از طرف بیمه داده نمی‌شود.

*روز چهارشنبه ۲۵ فروردین، برای دومین بار تعدادی از خریداران تعاونی مسکن مهر خود مالکی شماره ۲ کارکنان شهرداری قدس به جهت پیگیری مشکلات خود مقابل فرمانداری شهرستان قدس تجمع کردند. به گزارش قدس خبر، این تجمع در پایان در محل سالن جلسات فرمانداری قدس به یک جلسه تبدیل شد تا از میان افرادی که با مشکلات عدیده ای که در خصوص مسکنهای خریداری شده روبرو شده اند تعدادی به عنوان نماینده انتخاب شده و پیگیر موارد مرتبط در ادامه موضوع باشند.

*صبح روز چهارشنبه ۲۵ فروردین، اعضای واحد خدمات فنی، آزمایشگاهی و ژئوتکنیک سازمان نظام مهندسی ساختمان تهران در دفتر شورای شهر تهران تجمع کردند. به گزارش تسنیم، تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراض خود را نسبت به لغو تفاهمنامه سازمان نظام مهندسی ساختمان و شهرداری تهران اعلام کردند.

*روز شنبه ۲۸ فروردین، ۶۲۰ کارگر آلومینیوم المهدی هرمزگان که با ۴ ماه حقوق معوقه در پایان سال گذشته اخراج شدند در مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران کارخانه آلومینیوم المهدی هرمزگان که سابقه کار بیش از ۲۳ سال در این کارخانه دارد گفت: به نظر می‌رسد مدیر کارخانه برای دریافت تسهیلات دولتی دست به این عمل زده و این اقدام سناریویی بیش نیست و تنها کسانی که متضرر می‌شوند کارگران و خانواده‌های آنها هستند.

*روز شنبه ۲۸ فروردین، تعدادی از کارگران معدن چشمه پودنه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و عدم بازگشایی معدن، مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران این معدن گفت: معدن چشمه

پودنه واقع در شهرستان کوهبنان از توابع استان کرمان است که به دلیل ناتوانی در پرداخت مزد کارگران و دیگر هزینه‌ها از ابتدای دی ماه سال گذشته تعطیل شد.

*روز شنبه ۲۸ فروردین، کارگران کارخانه سدید ریخته‌گر در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم پرداخت یک سال حقوق و حق بیمه، مقابل کارخانه و مجلس دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران سدید ریخته‌گر در این تجمع اعتراضی خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند. همچنین پرداخت حداقل بخشی از مطالبات یک سال گذشته‌شان از دیگر مطالبات کارگران عنوان شده است.

*روز شنبه ۲۸ فروردین، جمع کثیری از کارگران کشت و صنعت مهاباد برای احقاق حقوق خود برای چندمین بار جلوی درب فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش اسو نیوز، کارگران کشت و صنعت مهاباد برای پافشاری بر احقاق حقوق خود در برابر فرمانداری این شهرستان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعی‌شان شدند.

*یک هفته پس از آن که گروهی از هنرمندان در مقابل موزه معاصر تهران تجمع کردند، روز شنبه ۲۸ فروردین، هنرمندان و فعالان فرهنگی اهواز در اعتراض به نحوه‌ی مدیریت جدید موزه هنرهای معاصر این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایسنا، موزه هنرهای معاصر اهواز یکی از مراکز فرهنگی در کشور است که به دلیل مشکلات مالی به بخش خصوصی واگذار شده است.

*روز یکشنبه ۲۹ فروردین، اعتصاب صدها کارگر کارخانه لاستیک سازی خوزستان هفته دوم خود را پشت سر گذاشت. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران با انتقاد از نحوه عملکرد مدیریت کارخانه تصریح کرد: با گذشت یک سال و نیم از روی کار آمدن مدیر جدید، عملکرد مدیریت به شدت ضعیف بوده و مدیریتهای داخلی این کارخانه پی در پی عوض می‌شوند و طی روزهای اخیر نیز سرپرست کارخانه عوض شده است. این کارگر علت نارضایتی کارگران پیمانکاری را حقوق معوقه ۳ ماهه آنان و همچنین عدم پرداخت عیدی عنوان کرد.

*بامداد روز پنجشنبه ۲۶ فروردین، نزدیک به ۲۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت بلند طبقه در فاز ۱۹ عسلویه به دلیل معوقات مزدی و بی پاسخ ماندن خواسته‌های‌شان تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع اعتراض روز بعد نیز ادامه یافت. کارگران معترض خواستار پرداخت شدن حدود ۴ ماه معوقات مزدی معوقه خود توسط پیمانکار پروژه هستند و از قرار معلوم کارفرما به آنها وعده داده که تا نیمه اردیبهشت به تعهدات انجام نشده خود عمل خواهد کرد. روز یکشنبه ۲۹ فروردین، اعتراضات کارگران پیمانکاری شرکت بلند طبقه (فاز ۱۹ عسلویه) نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق برای چهارمین روز ادامه یافت و در همین روز کارگران پس از آنکه از وعده پرداخت معوقات مزدی خود برای روز اول اردیبهشت ماه مطمئن شدند به اعتراضات خود خاتمه دادند.

*روز یکشنبه ۲۹ فروردین، کارگران اعتصابی کارخانه لاستیک سازی خوزستان در اعتراض به تحمیل قراردادهای یک ماهه، برای بار دیگر دست به تجمع مقابل فرمانداری گتوند زدند. به گزارش ایرنا، این کارگران که نسبت به نحوه انعقاد قرارداد و شرایط سخت و طاقت فرسای کاری در این شرکت معترض بودند با برپایی تجمع خواستار پیگیری و رفع مشکلات این شرکت از سوی مسئولان ذیربط شدند.

*صبح روز دوشنبه ۳۰ فروردین، کارگران کارخانه پارسیلون خرم‌آباد در اعتراض به عدم پرداخت ۲ سال حقوق و ۵ ماه حق بیمه، برای هفتمین بار دست به تجمع مقابل استانداری لرستان زدند. به گزارش تسنیم، با وجود اعتراضات مکرر این

کارگران هنوز گره از مشکلات شان باز نشده و کسی پاسخگوی آنها نیست به طوری که هر چند وقت یک بار شاهد تجمع این کارگران هستیم.

صنعت ۴۰ ساله لرستان از زمانی که به بخش خصوصی واگذار شده بدهکاریهای زیادی را به بار آورده و اکنون توان پرداخت حقوق و مزایای کارگران خود را ندارد.

*صبح روز دوشنبه ۳۰ فروردین، جمعی از بازنشستگان اداره مخابرات مازندران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل اداره کل مخابرات مازندران زدند. به گزارش بلاغ، در سال گذشته بیش از دویست کارمند اداره مخابرات مازندران بازنشسته شدند و منتظر دریافت مطالبات معوق و حق بازنشستگی خود هستند.

*روز سه شنبه ۳۱ فروردین، تعدادی از کارگران پتروشیمی کارون در حاشیه برگزاری همایش ملی توسعه کارآفرینی مقابل محل برگزاری این همایش دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش فارس، این کارگران با در دست گرفتن پلاکارد خواستار احقاق حقوق خود بودند.

*روز سه شنبه ۳۱ فروردین، جمعی از مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی استان تهران و برخی از شهروندان در اعتراض به حذف نظارت سازمان نظام مهندسی و مجریان ذی صلاح بر ساخت وسازها در مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان پارچه نوشته هایی را به همراه داشتند که بر روی برخی از آنها نوشته شده بود؛ «ما خواهان اجرای قانون و به کارگیری متخصصان و سازندگان ذی صلاح و کوتاه کردن دست منفعت طلبان عرصه ساخت و ساز شهری هستیم»، «عدم کنترل ژئوتکنیک = فاجعه در ساخت و ساز» و «شورای شهر استیضاح، استیضاح»

*بامداد روز سه شنبه ۲۹ فروردین، بیش از ۳ هزار بازنشسته صنعت فولاد کشور از استانهای مختلف برای سومین روز متوالی با تجمع مقابل ضلع شرقی مجلس، خواستار رسیدگی به مطالبات خود و پاسخگویی مسئولان دولتی و مجلس شدند. به گزارش خبرآنلاین، معترضان خیال ندارند به تجمعات خود پایان دهند. آنها می گویند حقوق شان اندک است و پرداخت حقوق نیز به آنها به صورت نامرتب صورت می گیرد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com



کارورزان سلامت، فروردین ۱۳۹۵

امید برهانی

برخورد غیرقانونی حراست بیمارستان با نماینده پرستاری

مهر، ۱۱ فروردین - قائم مقام سازمان نظام پرستاری کشور، نسبت به رفتار غیر اخلاقی و غیر قانونی حراست بیمارستان شهرستان تکاب با نماینده نظام پرستاری به شدت انتقاد کرد. محمد شریفی مقدم، به جلوگیری از دیدار عضو شورای عالی نظام پرستاری از بیمارستان تکاب اشاره کرد و افزود: به دنبال اعتراضات کارکنان پرستاری بیمارستان تکاب، آقای نصیری به نمایندگی از طرف رئیس کل سازمان نظام پرستاری، قصد سرکشی به وضعیت پرستاران بیمارستان شهرستان تکاب، به این مرکز درمانی رفته بود و اعضای شورای عالی به عنوان نمایندگان منتخب پرستاران و جهت بررسی وضعیت پرستاری در هر زمانی می توانند به مراکز درمانی مراجعه نمایند و با پرستاران دیدار داشته باشند و این در حالی بوده که عضو شورای عالی در تماس تلفنی با رئیس بیمارستان تکاب، موضوع حضورش در بیمارستان را اطلاع داده و رئیس بیمارستان نیز موافقت کرده بود.

مظلوم نمایی وزیر: نمی خواهم وزیر بمانم

سایت سازمان نظام پرستاری، ۱۴ فروردین - عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور، خواستار پاسخگویی وزیر بهداشت به مسائل و مشکلات حوزه پرستاری قبل از پایان دوران وزارت شد. دعیر بوعدار در واکنش به اظهار نظر اخیر وزیر بهداشت مبنی بر اینکه در دوره بعد وزیر نخواهد شد گفت: اصولاً وزرا وظیفه دارند در دورانی که مسئولیت وزارتخانه ای را بر عهده دارند، وظایف خودشان را به نحو احسن انجام دهند و تمام امور و کارهایی را که انجام داده اند به صورت شفاف به مردم بگویند. وی با بیان این مطلب که برای فرار از پاسخگویی نیازی به مظلوم نمایی نیست، اظهارداشت: گفتن اینکه من دیگر وزیر نخواهم شد، یک ضعف است.

پرستاران تسلیم شرایط کدخدا منشی نخواهند شد

سایت سازمان نظام پرستاری، ۱۴ فروردین - کریم عابدینی، عضو شورای مرکزی خانه پرستار گفت: جامعه پرستاری کشور از دیرباز کانون نارضایتیهای گسترده بوده و قریب به سی سال است همراستا با ارتقاء دانش علمی خود بحران هویت را تجربه می کند. وی اظهار داشت: در مسیر گذر از پرستاری سنتی به مدرن همچنان در چنبره آفت بزرگ پزشک سالاری گیر کرده ایم و متأسفانه رفتار شدن بحث طبابت در وادی تجارت به پشتوانه ساز و کار پزشک سالار موجود موجبات تقویت بیش از پیش این سلطه موروثی از دوره سنتی را فراهم کرده است.

خرید راهبردی خدمات سلامت غیرقانونی است

فارس، ۱۸ فروردین - نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس، مسعود پزشکیان با بیان اینکه وزارت بهداشت نتوانسته است خرید راهبردی خدمات را در حوزه سلامت انجام دهد، اظهار کرد: خرید خدمت راهبردی باید براساس قانون صورت می گرفت که وزارت بهداشت در این مسیر حرکت نکرده است. وی با بیان اینکه خرید راهبردی تعرفه ای نیست، ادامه داد: در خرید راهبردی خدمات سلامت باید قیمت واقعی خدمات را استخراج کرده و به صورت راهبردی آن را خریداری کنند؛ در واقع در خرید راهبردی، خدمات سلامت خریداری می شود نه اینکه بار مراجعه بیماران خریداری شود.

انتقاد صریح به اظهارات اخیر «حریرجی»

سایت سازمان نظام پرستاری، ۲۰ فروردین - محمود عمیدی، معاون پشتیبانی سازمان نظام پرستاری کشور گفت: مشکل پرستاران در همیشه ی تاریخ سکوت شان بوده و شما نیز سکوت پرستاران را که حاصل تهدیدات مسئولان مستقیم شان از رئیس مراکز و رئیس حراست و مترون و ... است را به عنوان عدم نارضایتی تلقی می کنید یا شاید هم دانسته چنین

تلقی را القا می‌کنید. در ادامه می‌اظهار داشت: در حالی که درآمد پزشکان در مراکز خصوصی خارج از زیرمیزیها چندین برابر مراکز دولتی بوده و حتی تعرفه‌های شان هم طبق مصوبات چهار برابر مراکز دولتی است و قاعدتاً باید دستمزد پرستاران نیز دست کم چهار برابر پرستاران مراکز دولتی باشد، قائم مقام محترم وزیر بهداشت می‌گوید نصف پرستاران بیمارستانهای دولتی دریافتی دارند.

افزایش تقاضای پرستاران برای مهاجرت در فروردین ۹۵

باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۴ فروردین - محمد شریفی مقدم، قائم مقام سازمان نظام پرستاری گفت: تقاضای مهاجرت پرستاران در فروردین ۹۵ نسبت به سال گذشته ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. وی افزود: با توجه به نقش پرستاران و سخت و زیان آور بودن این حرفه، در دنیا برای نگهداشت پرستاران جذابیت‌های بیشتری برای این شغل تعریف کرده اند که از آن جمله می‌توان به عادلانه بودن پرداختها و جایگاه بالای اجتماعی آنها اشاره کرد. وی ادامه داد: با توجه به این که در کشور ما کادر درمانی به شدت به نیروی پرستار نیازمند است، متأسفانه موارد یاد شده رعایت نمی‌شود و اختلاف پرداختها و تبعیض در برخورد ها باعث شده پرستاران یا مهاجرت کنند یا شغل خود را تغییر دهند.



رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

"همواره زمانی فرا می‌رسد که میان تماشاگر بودن و عمل کردن باید یکی را برگزینیم. این معیار انسان شدن است." آلبرت کامو (۷ نوامبر ۱۹۱۳ - ۴ ژانویه ۱۹۶۰)، نویسنده، فیلسوف و روزنامه نگار فرانسوی و یکی از فلاسفه بزرگ قرن بیستم است. او نویسنده و خالق کتاب بیگانه است.

"شکست نقشه طبیعت است تا شما را برای مسوولیت‌های بزرگ آماده کند." ناپلئون هیل (۲۶ اکتبر ۱۸۸۳ - ۸ نوامبر ۱۹۷۰)، نویسنده آمریکایی که یکی از پیشگامان سبک مدرن ادبیات موفقیت شخصی بود. یکی از معروف ترین اثار او، بیندیشید و ثروتمند شوید، از پر فروش ترین کتابهای جهان است. او مشاور رئیس جمهور، فرانکلین دی روزولت بود و معتقد بود؛ "به هر چه ذهن انسان تصور و باور کند، به او دست می‌یابد."

کتاب

روز جهانی کتاب

سازمان یونسکو در سال ۱۹۹۵ روز ۲۳ آوریل (سوم و امسال چهارم اردیبهشت) را روز جهانی کتاب و حقوق مولف (کپی رایت) اعلام کرد.

کتاب که از لوحهای گلی به کتابهای الکترونیک رسیده حدود پنج هزار ساله عمر دارد. از نوشتن بر لوح گلی تا آغاز نشر گسترده کتاب ۴۵۰۰ طول کشیده است.

وضعیت نشر و کتاب ارتباط مستقیمی با جامعه و شرایط اجتماعی کشورها دارد و بیش از هر چیز با شرایط سیاسی و فرهنگی جامعه در پیوند است.

درايران از ديرباز صنعت نشر دچار مشكلات ساختاری بوده كه در هر دوره ای به گونه ای آشكار شده و بر وضعیت كتاب تأثیر گذاشته است. از زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ تا امروز بر این مشكلات افزوده شده و امروز ابعادی نگران كننده پیدا کرده است. بنا به نظر كارشناسان، دخالت دولت نه تنها مشكلات نشر را برطرف نكرده، بلكه فشار بیشتری بر بازار كتاب وارد آورده است

فیلم

جشنواره بین المللی سینمای تبعید، در گرامیداشت روز كارگر

جشنواره بین المللی سینمای تبعید در گرامیداشت روز كارگر و در همبستگی با كارگران و زحمتكشان جهان فیلم سینمایی "نمک زمین" را به نمایش می گذارد. فیلم سینمایی "نمک زمین" ساخته هربرت بیرمن، یکی از شاهکارهای فراموش نشدنی کلاسیک تاریخ سینما است. این فیلم مبارزه طبقاتی كارگران، مبارزه زنان برای برابری حقوق فردی و اجتماعی و مبارزه كارگران مهاجر برای حقوق و شرایط برابر با كارگران محلی را به تصویر در آورده است. مراسم نمایش فیلم همچنین شامل سخنرانی و بحث و گفتگو با عنوان "چشم انداز چالشهای جنبش زنان كارگر در ایران" است. مریم محسنی و پروین کابلی از سخنرانان مراسم هستند. ورود آزاد

زمان: شنبه ۳۰ آوریل (۲۰۱۶) ساعت ۱۸:۳۰

محل برگزاری برنامه: سالن ویکتوریا (Hagabion – Viktoriahuset)

بهمکاری اتحادیه آموزشی كارگران سوئد- آ. ب. اف

نقاشی

درس نقاشی از رشته های گوناگون هنرستان حذف شد

حذف کلی رشته نقاشی در دفترچه ی انتخاب رشته مربوط به رشته های گوناگون هنرستان در شاخه ی فنی و حرفه ای، بسیاری از هنرمندان را بار دیگر نگران آینده ی وضعیت و موقعیت هنر و صدمات جدی که به این حوزه در کشور وارد خواهد ساخت، نموده است. در این رابطه، جمعی از هنرمندان نامه ای خطاب به وزیر آموزش و پرورش نوشته اند تا اعتراض خود را به این مساله نشان دهند. در این نامه آمده است: متأسفانه در گرایشهای هنری تغییراتی صورت گرفته که در صورت عدم اصلاح آن صدماتی جدی به حوزه ی هنر در کشور وارد خواهد ساخت و در درازمدت موجب ویرانی بنیانهای هنر در کشور خواهد شد. در این نامه همچنین آمده است: به نظر می رسد بدون توجه به تاریخ این رشته ها، کارشناسی مناسبی در این خصوص صورت نگرفته است.

در تغییرات اخیر علاوه بر حذف رشته "نقاشی" از دروس اصلی هنرستان هنرهای زیبا، رشته گرافیک با تعریف جدید به نام "فتو گرافیک" جایگزین شده است و بسیاری از مفاد پایه و تاریخی محتوای دروس لحاظ نشده است. برای امضای نامه به آدرسهای زیر رجوع شود.

<http://artschool.farhang.gov.ir/fa/contactus/contactsite>

آدرس ایمیل: Artsschool.th@gmail.com

به دستور مرکل، محاکمه کم‌دین آلمانی به خاطر طنز علیه اردوغان

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان اعلام کرد؛ مجوز رسیدگی قضایی به پرونده کم‌دینی را صادر کرده که رجب طیب اردوغان



رییس جمهور ترکیه را مورد تمسخر قرار داده است.

بر اساس قوانین آلمان، دولت باید هر نوع تحقیقات کیفری درباره توهین به رهبران و نهادهای کشورهای دیگر را تایید کند.

مرکل می‌گوید، دولت آلمان سعی خواهد کرد این قانون را ملغی کند.

اردوغان علیه یان بومرمن که ۳۵ سال دارد و محبوب‌ترین کم‌دین آلمان در حال حاضر

محسوب می‌شود، اعلام جرم کرده است. بومرمن در شعری که دو هفته پیش از شبکه زددا ف آلمان پخش شد به شدت رجب طیب اردوغان را به سخره گرفته بود. در این شعر به رابطه جنسی با بز و گوسفند و پایمال کردن حقوق اقلیتها اشاره شده است. آقای بومرمن پیش از خواندن شعر کاملا روشن کرده بود که این شعر نقض قانون آلمان در مورد توهین به سران یا نهادهای کشورهای دیگر خواهد بود.

برخی این شعر را "وقیح" و بی‌ادبانه و توهین‌آمیز و برخی نابخردانه توصیف کردند و برخی معتقدند خانم مرکل به دلیل نیاز اروپا به ترکیه در بحران مهاجران، اصل اساسی آزادی بیان را نادیده گرفته به خصوص اینکه پیش تر این شعر را "توهین عمدی" خوانده بود.

افکار عمومی آلمان این موضوع را ماله آزادی بیان می‌بینند و خانم مرکل پس از این تصمیم به شدت تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته است.

موسیقی

"بروس اسپرینگستین" در اعتراض به قوانین ضد تراجنسها، کنسرت خود را لغو کرد

بروس اسپرینگستین، خواننده سرشناس راک آمریکایی، کنسرت خود در ایالت کارولینای شمالی را در اعتراض به یک قانون این ایالت لغو کرده است.

این قانون، اقداماتی را که برای رفع تبعیض علیه افراد "تراجنس" به کار گرفته می‌شد را لغو کرده است.

طبق این قانون، افراد تراجنس، باید در زمان استفاده از دستشوییهای عمومی، از دستشویی متناسب با جنسیت خود در بدو تولد استفاده کنند و نه از دستشویی متناسب با هویت فعلی.

آقای اسپرینگستین، در پیامی که روی وب سایت خود منتشر کرده، از این قانون به شدت انتقاد کرده و گفته است؛ "در زندگی چیزهایی هست که از برگزاری یک کنسرت موسیقی راک اهمیت بیشتری دارند؛ از جمله مبارزه با پیش داوری و کوته فکری."

در پی شدت گرفتن مخالفتها با این قانون، شرکت پی پل اعلام کرد؛ طرح توسعه فعالیتهای این شرکت در ایالت کارولینای شمالی را متوقف می‌کند.

سازندگان یک سریال تلویزیونی نیز که قرار بود در این ایالت فیلمبرداری شود، اعلام کردند که فیلمبرداری در کانادا انجام خواهد شد.

اجرای سرود "رود" به رهبری مهرداد بران

کلیپ سرودهای "خون ارغوانها"، و "رود" که از بیادماندنی ترین سرودهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و در سال گذشته توسط توسط "گروه بهار" اجرا شد، در شبکه جهانی اینترنت قابل مشاهده است.

سرود "رود"

شعر: سعید سلطانیپور

آهنگ ساز و رهبر ارکست: مهرداد بران

رود

می گذرد در شب آئینه رود، خفته هزاران گل در سینه رود

گلبن لبخند فردائی موج، سر زده از اشک سیمینه رود

فراز رود نغمه خوان

شکفته باغ کهکشان

می سوزد شب در این میان

رود و سرودش، اوج و فرودش، می رود تا دریای دور

باغ آئینه، دارد در سینه، می رود تا ژرفای دور

موجی در موجی می بندد

بر افسون شب می خندد

با آبی ها می پیوندد

فردا رود افشان ابریشم در دریا می خوابد

خورشید از باغ خاور می روید، بر دریا می تابد

موجی در موجی می بندد

بر افسون شب می خندد

با آبی ها می پیوندد

فردا رود طغیان شورافکن در دریا می خوابد

خورشید از شرق سوزان می روید، بر دریا می تابد

موجی در موجی می بندد

بر افسون شب می خندد

با آبی ها می پیوندد

کنسرت امسال گروه بهار ۱۰ و ۱۱ جون ۲۰۱۶ در پاریس خواهد بود، رزرو بلیط در آدرس زیر

www.choralebahar.com/concert2016

آدرس کلیپ "رود":

https://www.facebook.com/IranianChoir/videos/1052007851512286/?__mref=message_bubble

کنسرت ای سی / دی سی در آمریکا با خواننده گروه گانز اند روزز

گروه راک ای سی/دی سی (AC/DC) کنسرتهای خود را در آمریکا با خوانندگی اکسل رز، خواننده گروه "گانز ان رز" ادامه می دهد.

این گروه چندی پیش به دلیل احتمال ناشنوا شدن برایان جانسون، خواننده گروه، کنسرتهايش را به تعویق انداخته بود. اکسل رز علاوه بر کنسرتهاى آمریکا، ای سی/دی سی را در تور اروپایی همراهی خواهد کرد و سپس برای کنسرتهاى گروه خود در تابستان از آنها جدا می شود.

"گانز ان رزز" پس از همراهی دوباره اعضای، دو هفته پیش پس از ۲۳ سال به روی صحنه رفت. ای سی/دی سی در اطلاعیه ای از "حمایت" اکسل رز ابراز خوشنودی کرده است.

آثار هنری



موزه‌ای در بزرگداشت چارلی چاپلین در سویس برگزار شد

موزه ای در بزرگداشت سر چارلز اسپنسر چاپلین، معروف به چارلی چاپلین، بازیگر، فیلمساز و آهنگساز برجسته و برنده اسکار، در سوئیس بازگشایی شده است. این موزه در محوطه ای وسیع در محلی که چارلی چاپلین ۲۵ سال آخر عمرش را در آن جا گذراند، قرار دارد.

از جمله آثار به نمایش گذاشته شده در این موزه کلاه و کفش معروف این هنرمند است. چارلی چاپلین در طول دوران فعالیت هنری خود جوایز متعددی دریافت کرد که از آن جمله می توان به دریافت سه جایزه اسکار اشاره کرد.

تاتر

مراسم چهارصدمین سالمرگ ویلیام شکسپیر در بریتانیا

روز ۲۳ آوریل، مراسم چهارصدمین سالمرگ ویلیام شکسپیر، نمایشنامه نویس مشهور در سراسر بریتانیا برگزار می شود. او ۲۳ آوریل ۱۶۱۶ میلادی در زادگاهش استرترفورد درگذشت

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا که مهمان نخست وزیر بریتانیا خواهد بود، به سالن نمایش شکسپیر به نام تئاتر گلوب در این مراسم شرکت خواهد کرد.

در سراسر بریتانیا نمایشنامه های ویلیام شکسپیر اجرا می شود، از جمله یک نمایش زنده با اجرای جودی دنچ، هلن میرن و دیوید تننت که بی بی سی به طور زنده پخش می کند.

بخشی از مراسم گرامیداشت شکسپیر شامل نمایشهای خیابانی است و فیلمهایی که با استناد به نمایشنامه های او ساخته شده روی پرده می رود.

شعر

شعر غم‌انگیز دانشجوی خوزستانی

شاعر جوان خوزستانی در واکنش به گرد و غبار شدید خوزستان شعری سروده است.

فردین آریش: دیروز توی عکسها خوزستان رنگ پریده بود؛ خسته و نزار، روزنامه ها و خبرگزاریها نوشتند: "نفس خوزستان بند آمده". خوزستانیها اما به این حال و هوا عادت دارند. حالا در گوشه ای از این تهران شلوغ و بی تفاوت دلم برای مردم

تنهای ولایتم تنگ شده. حالا که کار دیگری نمی شود کرد این شعر را با حسرت و دروغ و درد به خوزستان تقدیم می کنم، به خوزستان که این روزها به خاکستان شبیه شده.

کارون کویر می شود و دم نمی زنی
از نخلهای محکم و سبز و تناورت
خرما بچین، اگرچه تکیده ست پیکرت
خرما بچین که موسم خرماپزان شده است
تشییع می شود پس از این نعش دلبر
سینه ستبر می کنی و سرفه می کن
لکنت گرفته است نفسهای لاغر
تو مثل چای از دهن افتاده ای و
پاشیده گرد مرگ به روی سماورت
کارون کویر می شود و دم نمی زنی
شاید گذشته است دگر آب از سر
"اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است"
تنها نشسته ایم فقط در برابرت



پروین اعتصامی صدای فرودستان، وجدان بیدار شعر پارسی (قسمت دوم)

م . وحیدی

استواری برخی اشعار دوران نوجوانی او قابل ذکر است. فی المثل قطعه "ذره" را، وی در سال ۱۳۰۰ شمسی در سن چهارده - پانزده سالگی سروده است که از نظر سبک و اسلوب و حتی مضمون یادآور اشعار استادان قرون پیشین است:

اگر به عقل و هنر همسر افلاطونی
وگر به دانش و فضل اوستاد لقمانی
در آن زمان که رسی عاقبت به حد کمال
چونیک درنگری در کمال، نقصانی



سرنوشت پروین اعتصامی تنفس در فضایی آزاد نبود که به او مجال اظهار صریح و بی پرده به اندیشه هایش را دهد. بیست سال دوران خلاقیت شاعرانه او دقیقا همان بیست سال فرمانروایی استبداد رضاخانی بود که در طی آن حق آزادی سخن پایمال گشت. دوره ای که شاعران مردم را یا در زندان می افکندند (فرخی) و یا در خیابان به قتل می رساندند (عشقی). صرفنظر از خفقان حاکم بر جو سیاسی کشور، محیط اجتماعی ایران نیز در آن روزگار برای شکوفایی استعداد زن جوانی مانند پروین که با تربیتی سنتی بزرگ شده بود، چندان سازگاری نداشت. علیرغم تحصیل در کالج آمریکایی و حشر و نشر با بزرگان فضل و ادب، آداب اجتماعی چنان قید

و بندی بر دست و پای او نهاده بود که نمی توانست به میل خویش زندگی کند و دوستان و آشنایان موافق خود را آزادانه برگزیند. براین اساس، او برای بیان مخالفت و اعتراض خود شیوه خاصی ابتکار کرد و در شعر خویش جهانی افسانه ای

آفریده که در آن عناصر ستیزنده با یکدیگر رمز عوامل متنازع اخلاقی و اجتماعی و سیاسی کشور و زبان حال طبقات مظلوم و درمانده بودند.

استفاده از سبک تمثیل، طبیعتاً با خصال درونگرا و کناره جوی پروین مناسبت داشت و آنرا از روی ناچاری، چون شیگردی برای گریز از پنجه ستمگر قهار اختیار نمود، برای وی سپری پنهان کننده بود. سپری از جانوران و اشیا بی جان که بایست همه جا در تمثیلات و افسانه‌ها و مناظرات مشهورش، زبان حال او و مردم باشند. در شعر "نغمه صبح" که محتمل است در نخستین سالهای سلطنت پهلوی سروده باشد، هشدار می دهد که در شور و شغف صبحگاهی، از وجود "صیاد جان شکار" غافل نباید بود:

آنگونه به پر که پر نریزی

در دامن روزگار سنگ است

بسیار مکن بلند خیزی

کافتادن نام نیک ننگ است

صیاد زمانه جان شکار است

در گفتگو از خلیات پروین و عکس العملهای او در مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی دوران حیاتش هرگز نوشته آن مرد آمریکایی را که در سال ۱۹۲۶ (۱۳۰۵) با وی مصاحبه کرده است، نباید از نظر دور داشت. او نوشته است: "پروین فوق العاده کمرو بود ... در کم نورترین گوشه اتاق نشسته بود و در تمام مدت یک ساعت و نیم که من حضور داشتم، چهره خود را زیر حجاب پوشانده بود و وقتی برای خدا حافظی با او دست دادم از وحشت نزدیک بود هلاک شود."

بدین ترتیب، عدم موافقت پروین را با تقاضای پرفسور "محمد اسحاق" دانشمند هندی که می

خواست با این شاعر زن سرشناس ایران ملاقات کند، به چیزی جز همین حُجُب فوق العاده وی نمی توان تعبیر کرد.

صرف نظر از وجود محدودیتهای اجباری، ظاهراً پروین مشتاق شغل اداری و معاشرتهای اجتماعی نبوده است. وی قدر قریحه سخن آفرین خود را می دانست و زندگانی در عالم احساسات و اندیشه‌ها و هنر شاعری خود را بر مشاغل بی حاصل دیگر ترجیح می داد. پروین شاعر خلق شده بود و سرودن اشعار را ادای وظیفه هستی خویش می شمرد. در مدت کما بیش بیست سال دوران شاعری ۲۰۹ قصیده و قطعه و غزل و مثنوی و ۵ قطعه کوتاه، دو بیتی و سه بیتی و یازده تک بیت که در مجموع بالغ بر ۵۶۰۶ بیت می شود، سرود و این رقم کما بیش برابر با تعداد ابیاتی است که حافظ در حدود پنجاه سال روزگار شاعری خود سروده است. دیوان پروین مجموعه ای است یک پارچه با خصایص سبک شناسی، هماهنگ و یک دست و نماینده ذوق و نوعی از تفکرات اخلاقی و اجتماعی متجانس و فاقد تناقضات آشکار و سازشهای مصلحت آمیز با شرایط زمانه است. بدین ترتیب، اشعار پروین را می توان برحسب موضوع دسته بندی و هر قسمت را با عنوانی مناسب شبیه "بوستان سعدی" تدوین نمود. عبدالعلی دستغیب، منتقد معاصر نوشته است: "شعر پروین زود به دل می نشیند و با خواننده آشنا می شود. دیوان او از اوان انتشار در جامعه ایران نفوذ کرد و به زودی بر سر زبانها افتاد و این موضوع ساده ای نیست، چرا که او در همان تاریخی که شعر می سرود، رقیبان نیرومندی چون بهار، دهخدا، نیما و شهریار داشت. اینان هم استاد ادب و هم شاعر بودند."

دکتر شفیعی کدکنی می گوید: "اشعار پروین از لحاظ شکل و طرح مسایل اجتماعی و انسانی در لحن بسیار صمیمی و پاک که تا عصر او در شعر فارسی کمتر مورد توجه بزرگان ادب بوده است، سروده شده است ... آنچه شخصیت اصلی یک شاعر را می سازد، پشتوانه فرهنگی و گستردگی مردمی شعر اوست. پروین از این دو خصیصه یعنی فرهنگ، دانش و آگاهی برخوردار و با چاپ دیوان خود در زمان حیاتش و استقبالی که از آن شد و ادامه یافته است، شاعری موفق بوده است."

پروین در ۱۹ تیرماه سال ۱۳۱۳ با پسر عموی پدرش، فضل الله اعتصامی رییس شهربانی کرمانشاه ازدواج کرد. اما پس از حدود دو ماه زندگی با همسرش به خانه پدر بازگشت و ۹ ماه بعد، در مرداد ۱۳۱۴ از وی جدا شد. ابوالفتح اعتصامی علت جدایی او را ناسازگاری روحیه نظامی همسر با روح لطیف و آزاد پروین دانسته است. اما پروین در نامه ای به مه کامه

مححص (مادر اردشیر مححص)، که در دوران خود شاعری سرشناس بوده است، علت جدایی خود را "افیونی بودن (تریاقی) همسرش ذکر کرده است. او تا پایان عمر درباره این ازدواج ناموفق سکوت اختیار کرد و سرود:

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی
جز سوزش و جز سرزنش خار چه دیدی؟
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت
غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی؟

پروین پس از جدایی از همسرش مدتی به عنوان مدیر کتابخانه دانشسرای عالی مشغول به کار شد. در دوران تصدی او، نظم و ترتیب در کتابخانه زبانزد دانشجویان و اساتید بود. پروین بر پشت جلد برخی کتابها اظهار نظرهایی می نوشت که شاید هنوز باقی باشد. اما انزوا طلبی پروین باعث شد که او به کار خود در دانشسرای عالی ادامه ندهد و در سال ۱۳۱۶ کناره گیری کند.

اشعار پروین در نشریات مختلف از جمله "بهار" منتشر می شدند. اما چاپ نخستین دیوان او در سال ۱۳۱۴ شمسی توسط چاپخانه مجلس شورای ملی، همراه با مقدمه ای از ملک الشعرای بهار صورت گرفت و با استقبال بسیار مواجه شد. "سعید نفیسی" در روزنامه ایران به معرفی و ستایش پروین پرداخت و "وزارت معارف" برای تقدیر از پروین به او نشان علمی اهدا کرد اما پروین نپذیرفت*
ابوالفتح اعتصامی نوشته است: "در برابر نشان لیاقت که برای او فرستادند، وی نپذیرفت و با این پیام که شایسته تر از من بسیاری، نشان را پس فرستاد."

اغلب منتقدان ادبی پروین را شاعری بزرگ می دانند و او را با شاعران تراز اول کهن ایران مقایسه و از سجایای نیک اخلاقی و شخصیت والای انسانی او سخن می گویند. برخی شعر او را شعر "سیاست و اخلاق" نامیده اند.
ملک الشعرای بهار معتقد است؛ اگر تنها شعر "سفر اشک" از دیوان او منتشر می شد، جایگاه والایی در علم و ادب فارسی پیدا می کرد. او در مقدمه دیوان پروین نوشته است: "ایران کان سخن و فرهنگ است. اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده اند، جای تعجب نیست. اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای این قریحه و استعداد باشد و با این توانایی چنین نغز و نکو بسراید، از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید و تحسین است ... به سعی او ادب پارسی غنی تر شده است."

سعید نفیسی نوشت: "پروین طبع بسیار بلند و توانایی داشته و تقریباً همه جا هرچه می خواسته است، می توانسته است بگوید. وزن و قافیه، طبع او را محدود نمی کرد." سعید نفیسی در توصیف اخلاق و شخصیت فردی پروین نوشت: "قیافه بسیار آرامی داشت. چشمانش بیشتر به زیر افکنده بود. یاد ندارم در برابر من خنده کرده باشد. وقتی از شعر او تحسین می کردم، با کمال آرامش می پذیرفت. نه وجد و نه نشاطی می نمود، نه چیزی می گفت. هرگز یک کلمه خودستایی از او نشنیدم و رفتاری که بخواهد اندک نمایش برتری دهد، از او ندیدم."

علامه قزوینی "ادیب، تاریخ نگار و پژوهشگر با شگفتی نوشته است: "هرچه بیشتر می رفتم و بیشتر می خواندم، استعجاب من به تعجب مبدل می شد که چگونه امروز در این قحط الرجال فضل ادب یک چنین ملکه النساء الشواعر (ملکه زنان شاعر) در ایران ظهور کرد که اشعارش با بهترین قصاید اساتید و به خصوص ناصر خسرو دم برابری می زند و موفق گشته است."

دهخدا پروین را در "سلاست و متانت شعر هم رتبه استادان قدیم نظم" می شمارد.

شهریار دیوان پروین را "بلند آسمان" و او را "از نواغ ادب" توصیف کرده است.

شفیعی کدکنی می گوید: "او مستقل ترین شاعر دوره شعر فارسی پس از مشروطیت و مضمون شعرهایش دارای تازگی است." وی شعر او را شعر "خرد و عاطفه" و ظهور او پس از مشروطیت را "یک واقعه بزرگ ادبی" خوانده است.

هوشنگ ابتهاج (هـ الف. سایه) گفت: "پروین اعجوبه ای بود که اولاً بی موقع مُرد و ثانیاً مرگش مصادف شد با غوغای شعر نو و در نتیجه شعر وی در آن میان درک نشد."

دکتر احسان یارشاطر تصریح می کند که: "از قآنی به این سو، شاعری به اهمیت و اعتبار پروین نیست. وی در اصالت و استقلال، از همه شاعران ما پس از حافظ و صائب برتر است."

دکتر محمد معین نوشت: "پروین در شعر خود، روح انسان را به سوی سعی و عمل، نیک بختی و فضیلت سوق می دهد." دکتر محمد علی اسلامی ندوشت: "به استعمال زینت آلات توجه نداشت. در پوشش متانت و زیبایی را به اعتدال رعایت می کرد، رنگهای آرام در لباسهایش بیشتر به چشم می خورد و از آرایش ظاهری و خود آرایبی همواره دوری می کرد. پروین خود سروده بود:

برای گردن و دست زن نکو پروین

سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان

پانویس

*در آن زمان دولت به دانشمندان و بزرگان علم و ادب مدالهای لیاقت یا نشانهای دولتی اعطا می کرد. مدالی که نشان سپاس و احترام دولت از خدمات علمی و فرهنگی فرد مورد نظر است و سپس آنان را در مراسمی خاص مورد قدردانی قرار می داد. در سال ۱۳۱۵ مدال لیاقت به پروین داده شد ولی او این مدال را قبول نکرد.

(ادامه دارد)

نامه کروبوی؛ سفت تر شدن حلقه طناب بُحران بر گردن "نظام"

منصور امان

فراسوی خبر... سه شنبه ۲۴ فروردین

در همان هنگام که باند مُتقلب ولی فقیه بر نمایش انتخابات "مجلس توافقی" لمیده و نخستین نفسهای آسودگی را فرو می داد، نامه حُجت الاسلام کروبوی آن را به زمین سفت واقعیت برگرداند.

آقای کروبوی در این نامه که به گونه گسترده ای مُنتشر و پخش شده، با اشاره به کُلاهبرداری انتخاباتی آقای خامنه ای و همدستانش در سال ۸۸ و تحمیل آن به جامعه با گلوله و قمه، آنان را بر صندلی اتهام نشانده و بدین وسیله یادآور گردیده که نه گذشت زمان و نه تن دادن به "مجلس توافقی"، مسوولیت این تبهکاری را از دوش آنها بر نمی دارد.

در سیستم حُکمرانی آقای خامنه ای و شُرکای نظامی و امنیتی اش مفهومی به نام پذیرش مسوولیت وجود ندارد؛ انکاری که با توجّه به فهرست بلند افعال ارتكابی و سیاستهای بی خردانه کم منفعت نیست. تثبیت این رویکرد از جُمله مدیون برخورد مُماشات گرایانه رقیبان باند حاکم زیر "خیمه نظام" است. آنها برای برنیانگیختن خشم آقای خامنه ای یا جلب عنایت او، از هر گونه اشاره مُستقیم به نقش و مسوولیت باند حاکم و به طور مُشخص "رهبر" آن در بُحرانهایی که "نظام" را در آنها غوطه ور می سازند، پرهیز دارند. "خودی"ها نه فقط از آقای خامنه ای و سیاستهایش بازخواست نمی کنند، بلکه برای فرار او از حسابرسی، درب پُشتی و دریچه هم می کاوند.

آقای کروبوی اما در نامه سرگشاده اش انگشت بر زخم نهاده است. او بدون آرایش، سیاست "ماجراجویی هسته ای" و "بلندپروازی منطقه ای" را زیر ضرب می گیرد تا سپس آقای خامنه ای را به میانه میدان کشیده و او را به خاطر "خودمحوری، جاه طلبی و حُب ریاست و توسعه قُدرت" دور بگرداند و همزمان ادعای "نجابت و بصیرت" اش را به باد ریشخند بگیرد.

نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ که از پنج سال پیش تاکنون در زندان خانگی بسر می برد، خطاب به آقای روحانی تاکید کرده که از او نه انتظار رفع حصر دارد و نه این کار را در اختیار وی می داند. او در عوض از آقای روحانی خواسته

است "بر اساس تکلیفی که قانون اساسی و مردّم بر عهده اش گذاشته اند" از "حاکمیت مُستبد" بخواهد تا برای وی دادگاه علنی تشکیل دهد.

هنوز روشن نیست حُجّت الاسلام حسن روحانی که به وعده "رفع حصر" خویش عمل نکرده و حاضر نیست در این باره نیز توضیح دهد، چگونه با درخواست حدّاقلی آقای کروبی برخورد خواهد کرد. روشن اما این است که آقای خامنه ای به مُخالف خود تریبون نمی دهد و آقای روحانی هم - همانطور که نشان داده - نه تنها هزینه پیگیری چنین مُطالبه ای را به گردن نمی گیرد، بلکه در اصل منافعی نیز در برجسته شدن دوباره صف بندیهای ۸۸ نمی بیند.

آقای کروبی فرار آیت الله خامنه ای از تبهکاری ۸۸ را که گمان می برد با نمایش انتخاباتی اخیر به یک پیاده روی صُبْحگاهی بدل گردیده، به تلاش با اعمال شاقه فرا رویانده است. حُجّت الاسلام کروبی بدین وسیله همچنین به گونه ناخواسته پروژه جناح میانه حکومت و زایده های "اصلاح طلب" آن مبنی بر بایگانی مُطالبات خیزشهای ۸۸ و ۸۹ و مُعامله بر سر آن را نیز با چالش روبرو ساخته و فشار بدنه اجتماعی این نیرو را بر آن افزایش داده است.

گذشته از مُندرجات و مضمون نامه آقای کروبی، بازتاب گسترده آن به گونه مُجرد نشان می دهد که یورش خونین و گله وار "نظام" به جامعه در سالهای ۸۸ و ۸۹، صف بندی اصلی و شکل گرفته در بطن آن را برهم نزده و پراکنده نساخته است. "نظام" از بُحران گذر نکرده، با حلقه طنابی بر گردن، سنگینی آن را به دُنبال می کشد.



موفقیت اقتصاد مقاومتی، تولید ۷۰۰۰ هزار سرکوبگر مخفی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر..... چهارشنبه اول اردیبهشت

خروچی اقتصاد مقاومتی ولی فقیه و پُرگوییهای سریالی او، سازماندهی ۷۰۰۰ هزار جاسوس و گسیل آنها به میان مردم برای شکار جوانان و ایجاد رعب و وحشت است.

گسیل گله وار هزاران لمپن به طور نامحسوس فقط در تهران، اعتراف به شکست سیاستهای سرکوبگرانه در شکل عریان آن طی بیش از سه دهه است. شکل جدید سرکوب یعنی سازماندهی گله وار لمپنهای بسیج و سپاه در شکل مخفی، نشانه ورشکستگی حکومتی است که بعد از سه دهه به جای بهبود وضعیت معاش مردم، ایجاد کار و از بین بردن فقر و تنگدستی، به موی زنان، موزیک جوانان در ماشین و لباس آنها بند می کند. کسانی که تولید کننده خشونت، نفرت و جنگ در ایران و منطقه هستند، طرح «امنیت اخلاقی» را می خواهند پیاده کنند. در این جا اخلاق اسم رمز نظام پوسیده ولایت فقیه است که تولید کننده فاسدان، دزدان و قاتلان

موضوع پولهای بدست آمده از فروش نفت در دوره تحریم و اختلاسهای فراوان از طرف وابستگان به نهادهای سپاه و ناجا که این روزها در میان اختلافهای باندهای حکومتی اندکی به سطح آمده، با تشدید سرکوب در ابعاد کلان ارتباط مستقیم دارد. بخشی از درآمد حاصل از فروش نفت که به جیب سپاه پاسداران و ناجا و قرارگاه خاتم الانبیا وارد شده، باید برای سیر کردن شِکَم ۷۰۰۰ لمپن برای حفظ امنیت رژیم هزینه شود.

جهانگیری معاون روحانی در رابطه با فروش نفت در دوران احمدی نژاد گفت: «در دولت گذشته هر نهادی که از وزارت نفت، نفت دریافت کرد که بفروشد، حتی یک دلار به دولت بر نگرداند.» احمدی مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی رژیم در مورد عدم بازگشت فروش دو محموله نفتی گفته بود «محموله اول برای جبران کسر حقوق سال ۹۱ نیروی انتظامی به ناجا داده شد». اعداد و ارقام همه این دزدیها در دفتر حساب ولی فقیه موجود است و واگذاری فروش نفت و برداشتن پول آن توسط نهادهای نظامی امنیتی که با دستور احمدی نژاد صورت گرفته را حتما ولی فقیه می داند. بر همین منظر برای یافتن پاسخ به کورسو نورهای تابیده شده بر پرونده دزدیهای نفتی به بیت خلیفه ارتجاع باید مراجعه کرد.

در آواز سیب و ستاره

م . وحیدی

در مرده ها بنگر!
 در تلخی تاریخ کتلهای افراشته
 در چشمان منتظر سوک هزاران قافله سیاهپوش
 غمگین مباش!
 ما، با شاخه های سیب و ستاره
 پیوند خورده ایم
 بگذار، در دلتنگی ابر پر باره
 دریچه ای گشوده شود
 و حیات
 اشارت دوباره آفتاب و سازی
 در شهر متروک موریانه ها
 به خویشتن خویش اعتماد کن!
 به آرزوهایمان
 به چشمه های سبز باد
 که در باغ می دمد
 ”در راه خویش، ایثار باید، نه انجام وظیفه“*
 * مارگوت بیگل



شهادی فدایی در اردیبهشت ماه



رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا و احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی، ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری (تلخستانی)، قربانعلی رزگار، جهانگیر باقرپور، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله خسروشاهی برادران، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، فریده غروی، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علیرضا باصری، نسرین پنجه شاهی، هوشنگ اعظمی لرستانی، منوچهر حامدی،

کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی، غلامحسین خاکباز، هیبت الله

بهرامی سامانی، محسن بهکیش، ناصر بهرامی، رویا علی پناه فرد، کوروش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی، کریم تیمور زاده، منصور جابری، نبی جدیدی، وجیه الله چشم فروز، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ حنیفی، علی کرم داودی، محمد راکعی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کبرا حیدریان، مهدی حاتمی، مسعود دانیالی، فرشته گل انبریان و....

از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

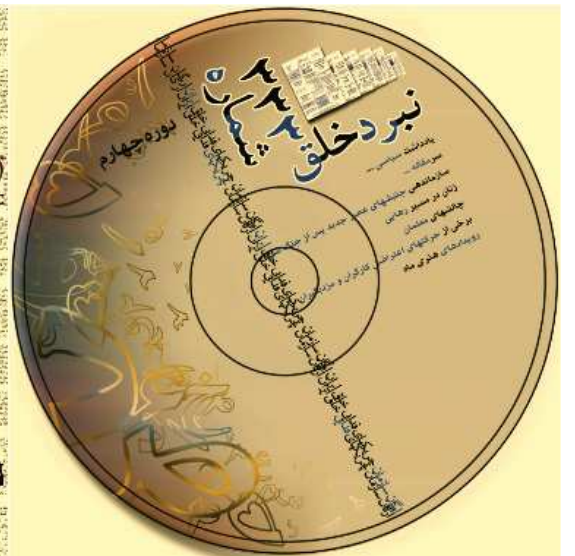
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 370 20 Avril 2016

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by: NABARD CULTURAL ASSOCIATION



کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org